کارگران و زحمتکشان متحد شوید

کار

مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹

سال دوم شماره ۶۱ — سازمان چریکهای فدائی خلق ایـــران — ۱۸ صفحه ـ قیمت ۲ ریال

با استقرار صلح عادلانه در کردستان سنگر مبارزه با امپریالیسم امریکا را استحکام بخشیم

امپریالیسم امریکا، آنچنان که جیمی کارتر صریحا اعلام داشته، در پی دخالت‌های بیشتری در ایران است و پرواضح است که امپریالیسم در پی روی کار آوردن یک حکومت سرسپرده امریکایی در ایران به کمک ایادی داخلی خویش است والبته در صورت آماده شدن چنین زمینه‌ای، نیروهای ضربتی امریکا و ناوگان نظامی امریکا آماده‌اند برای استقرار چنین حکومتی در صورت لزوم به اقدام نظامی سریع و ضربتی نیز دست بزنند!

رژیم عراق که به شدت از گسترش مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک مردم ایران وحشت زده شده و بازتاب مبارزات میهن ما را در شرایط بحرانی عراق بوضوح می‌بینند همه تلاش خود را برای تفرقه در صفوف زحمتکشان ایران و منحرف ساختن مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران به کار گرفته است.

فرماندهان فراری ارتش از قبیل اویسی، پالیزبان به کمک سرمایه‌داران فراری و امپریالیسم جهانی، هزاران مزدور را سازماندهی کرده، تلاش دارند با بهره‌گیری از نارضایی‌هایی که وجود دارد و بویژه در بخشهایی از غرب ایران یک پایگاه دائم ضدانقلاب مستقر سازند.

تحریم اقتصادی امپریالیسم امریکا و سیاست‌های ناپیگیر حکومت، میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را زیر فشار گرانی و بیکاری خرد کننده قرار داده است.

سیاست‌های سرکوبگرانه و نفاق‌افکنانه جناح‌هایی از حاکمیت وحدت نیروها را سخت دستخوش مخاطره قرار داده است.

و در چنین شرایطی است که جنگ تحمیلی کردستان عملا وسعت می‌گیرد و در شرایطی که میهن ما در خطر امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن است، نفاق ملی هر روز گسترش می‌یابد و کوشش‌های انقلابیون برای همگامی و همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه که خواهان پیشبرد واقعی مبارزه علیه امپریالیسم امریکا هستند، در اثر سیاستهای جنگ‌افروزانه لطمات بیشتری متحمل می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

خوزستان: توطئه های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته به آن

در میان دولت‌های ارتجاعی منطقه رژیم فاشیستی و ضد مردمی عراق بیشترین دشمنی را با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما ابراز می‌دارد و علیه خلق‌های ما به تجاوز نظامی دست می‌زند.

این رژیم که به علت پیوندهای تاریخی مردم ما، با مردم کرد و عرب عراق از رشد و گسترش مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ایران بیشترین زیان را می‌بیند، با حمایت امپریالیسم جهانی تلاش می‌کند دستاوردهای مبارزات مردم ما را در راه کسب استقلال و آزادی بی‌بها کرده و خلق‌های قهرمان‌ما را در ادامه مبارزاتی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در پیش گرفته‌اند، مایوس سازد.

همه تلاش‌های رژیم عراق برای حفظ سلطه امپریالیسم جهانی در منطقه است زیرا نابودی سلطه امپریالیسم در منطقه به معنی واژگونی رژیم‌هایی همانند رژیم عراق است.

در صفحه ۶

یاد شهدای پانزدهم خرداد گرامی باد

در صفحه ۱۲

در باره کنفرانس بررسی جنایات امپریالیسم امریکا

جنایاتی که امپریالیسم امریکا، این مخرب ترین و جنایتکارترین نیروی تجاوزگر تاریخ، در میهن ما به دست ایادی خود مرتکب شده‌است به حدی است که بدون تردید توضیح و تشریح یکایک آن در یک کنفرانس چند روزه عملا امکان پذیر نیست. جنایات شناخته شده سازمان امنیت را که به دست کارشناسان /

در صفحه ۲

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن محکوم است

● فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت‌خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری، مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد.

در صفحه ۴

در این شماره:

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۱ ـ صفحه ۲

بحران کردستان تنها با تحقق خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد می‌تواند پایان یابد.

خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد، برخلاف تبلیغات گمراه‌کننده در چارچوب حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران و استقلال میهن قرار دارد

تاریخ اثبات کرده است نمی‌توان مردمی را که برای تحقق خواست‌های حق طلبانه بپا خاسته‌اند، سرکوب کرد.

راه‌حل‌های نظامی تنها و تنها بحران را تشدید می‌کند

و ابعاد فاجعه بار آن در وهله نخست دامن مدافعان جنگ برادرکشی را خواهد گرفت.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
خـــــــرداد ۱۳۵۹

درباره کنفرانس بررسی...

بقیه از صفحه ۱

سازمان سیا در ایران تشکیل و زیر رهبری آن عمل می‌کرد **تحمیل قراردادهای اسارتبار اقتصادی و نظامی و استثمار نیروی کار و غارت منابع سرشار میهن ما که بمثابه** خرابی میلیون‌ها ایرانی و مرگ هزاران کودک و پیر و جوان ایران انجامید، کشتارهای دسته‌جمعی مردم توسط ارتش که زیر رهبری فرماندهان نظامی امریکا عمل می‌کرد، شکنجه‌ها و اعدام‌های وحشیانه انقلابیون، نابودی کشاورزی ایران به کمک کارشناسان امریکا و اسرائیلی که حتی از وارد کردن آفات و بیماری‌های خانمانسوز نباتی به ایران خودداری نمی‌کردند جملگی بخشی از جنایات تکان دهنده ای است که امپریالیسم امریکا در میهن ما مرتکب شده است.

پس از قیام خونین مردم ایران، امپریالیسم امریکا، **آنی از اقدامات جنایتکارانه** علیه مردم ما که مصمم‌اند سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا را نابود سازند، دست برنداشته و از طریق شبکه‌ها و ایادی داخلی خود به هر جنایتی دست زده است.

کنفرانس بین‌المللی مداخلات امریکا در ایران که با شرکت نزدیک به صد هیئت نمایندگی احزاب و دولت‌های سراسر جهان تشکیل شده است، اینک به دعوت دولت ایران برای بررسی این جنایات به تهران آمده‌اند.

ما ضمن تائید اهداف ضد امپریالیستی این کنفرانس معتقدیم که همه دشمنان امپریالیسم جهانی و نمایندگان همه خلق‌های زیر ستم جهان باید به این کنفرانس دعوت می‌شدند. از آنجا که روزهای تشکیل آن را محدود می‌دانیم و از آنجا که بررسی جنایات امریکا و انتشار و انعکاس این جنایات در دنیا در این مدت محدود میسر نیست، این کنفرانس اگر واقعا بخواهد جنایات امپریالیسم امریکا را در ایران بطور همه‌جانبه بررسی کند و به گوش همه خلق‌های جهان برساند باید هیئتی دائمی از میان‌خود انتخاب کند، تا این هیئت به مثابه یک دادگاه بین‌المللی همه جنایات امپریالیسم امریکا را در دوران سیاه حکومت شاه و ادامه این جنایات را پس از انقلاب مردم ایران بررسی و به جهانیان اعلام کند.

به اعتقاد ما چنین دادگاهی آگاهی خلق‌های ایران و جهان را از ماهیت جنایتکار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا افزایش داده و در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان موثر خواهد بود.

تشکیل و ادامه کار چنین دادگاهی در خنثی ساختن دسیسه‌های امپریالیسم امریکا در میهن‌ما و وحدت، مردم ایران تاثیر خواهد داشت.

با استقرار صلح عادلانه در کردستان...

بقیه از صفحه ۱

بر چنین زمینه‌ای است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با احساس مسئولیت تمام و با تاکید بر خطرات جدی‌ای که جنبش ضد امپریالیستی میلیون‌ها زحمتکش ایران را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه‌جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای ترقیخواه و صلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند.

به گمان ما " توهماتی" وجود دارد که زدودن آن برای درک ضرورت استقرار یک صلح عادلانه در کردستان الزامی است و بد نیست که در اینجا نیز هر چند مختصر بدان اشاره کنیم:

۱ـ فرماندهان ارتش و مدافعان ادامه جنگ در کردستان کوشش می‌کنند این توهم را در همه مقامات حکومتی دامن بزنند که حل بحران کردستان از طریق نظامی و سرکوب زحمتکشان امکان پذیر است، آنها تلاش دارند خارج شدن پیشمرگان کرد را از سنندج که برای جلوگیری از ویرانی بیشتر شهر و کشتار مردم صورت گرفته یک پیروزی برای خود قلمداد کنند! در حالی که هرکس کوچکترین اطلاعی از فنون نظامی داشته باشد، در می‌یابد که تهاجم نظامی علیه خلق کرد باردیگر با شکست روبرو شده است. هرکس از وضعیت کردستان، یکپارچگی خلق کرد، وضعیت منطقه، آمادگی پیشمرگان و روحیه مردم مطلع باشد و کوچکترین اطلاعی از فنون جنگ داشته باشد می‌داند که پیروزی نظامی در کردستان محال است.

تهاجم نظامی در کردستان با شکست روبرو شده و در صورت ادامه با شکست قاطع و همه‌جانبه روبرو خواهد شد.

اگر بپذیریم که فرماندهان نظامی نیز این واقعیت ساده را که پیروزی نظامی در کردستان امری محال است دریافته‌اند، این سئوال مطرح می‌شود که هدف واقعی آنها از تلاش برای ادامه جنگ چیست؟

بدون تردید به زعم آنها ادامه جنگ راهی است برای تصفیه پرسنل مبارز ارتش، خرید جنگ افزار، بازگرداندن افسران " باتجربه" شاه به خدمت، ابقای فرماندهان کنونی ارتش، تحکیم موقعیت خود از طریق انجام مانورهای زیرکانه بر اساس تضادهائی که در نتیجه جنگ در درون ارتش به وجود می‌آید، سرکوب شوراها، تحکیم نظام اطاعت کورکورانه، ایجاد و تشدید نفاق میان زحمتکشان ایران، گسترش نفاق ملی و ممانعت از نزدیکی نیروهای ضدامپریالیست و غیره...

در حالی که هزاران تن از بازماندگان رژیم شاه و ساواکی‌ها زیر فرماندهی اویسی‌ها و با تجهیزات مدرن نظامی سازماندهی شده‌اند، در حالی که مصر و اسرائیل، عمان و عراق و پاکستان به صورت پایگاه‌های امپریالیسم امریکا علیه خلق‌های ایران به جنب و جوش افتاده و در ارتباط با ایادی داخلی امپریالیسم برای سرکوب مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ایران حاضرند به هر اقدامی دست بزنند، گسترش تهاجم نظامی در کردستان می‌تواند توجه مردم را از مبارزه علیه امپریالیسم و کانون‌های خطرناک ضدانقلاب منحرف سازد و از وحدت ضدامپریالیستی زحمتکشان جلوگیری کند و پرواضح است که همه اینها خواست امپریالیسم امریکا و مغایر با منافع و مصالح خلق‌های ستمدیده میهن ماست.

۲ـ کوشش‌هایی به عمل می‌آید تا مسائل کردستان را تماما همردیف مسائل نقاط دیگر ایران معرفی نماید. این سیاست که در عمل چیزی جز سیاست ادامه جنگ در کردستان نیست با فروبستن چشم‌های خود بر ویژگی‌های تاریخی، قومی و ملی کردستان و بدون توجه به واقعیت‌های سیاسی موجود در کردستان این توهم را بر می‌انگیزد که گویا " کردستان، یزد است!!".

این سیاست بطور یکجانبه و به اصطلاح تنها به قاضی می‌رود. هم از این روست که در ظاهر راضی برمی‌گردد در حالی که اگر جدا از نیات و اعتقاداتی که در سر داریم به واقعیات ملموس و زنده کردستان نظر افکنیم و این واقعیت‌های محرز را در محاسبات سیاسی خود دخالت دهیم، بسیار آسان در خواهیم یافت که مطالبات خلق کرد در چارچوب استقلال و یکپارچگی میهن و عمده‌ترین مطالبات خلق‌های قهرمان ایران از ویژگی‌هایی برخوردار است که بدون در نظر گرفتن آن، حل بحران کردستان امکان پذیر نیست.

آنهائی که واقعا می‌خواهند جنگ برادر کشی در کردستان خاتمه پیدا کند باید صراحتا اعلام دارند که به این ویژگی‌ها توجه دارند و آماده‌اند به مطالبات حق‌طلبانه خلق کرد پاسخ مساعد دهند.

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

ضمن بزرگداشت روز تاریخی ۱۵ خرداد

با هوشیاری انقلابی مانع از انحراف جنبش ضد امپریالیستی شویم

مردم قهرمان ایران!
نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست!

مبارزه شکوهمند و دلاورانه خلق‌های قهرمان ما علیه امپریالیسم، دوستان و جاسوسان آن روزهای پرمخاطره‌ای را از سر می‌گذراند. تاریخ مبارزات حماسه آفرین مردم ما برای کسب استقلال و آزادی و برای بنا نهادن ایرانی آزاد و دمکراتیک که در آن کارگران و زحمتکشان از بی‌خانمانی و بیکاری و گرسنگی رهائی می‌یابند مالامال از توطئه‌ها و تلاش‌های مذبوحانه‌ای است که طی آن دوستان و جاسوسان امپریالیسم کوشیده‌اند به نام مردم هدف‌های ضد مردمی خود را عملی سازند. همین تاریخ گواه است که علیرغم کامیابی‌های موقتی امپریالیسم، زحمتکشان میهن ما، چهره دشمنان خود را باز شناخته و دلاورانه علیه آنان قیام کرده‌اند و نقشه غارتگری آنان را سرنگون ساخته‌اند.

اکنون نیز سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، سلطنت‌طلبان و طرفداران بختیار و اویسی، فرمانده‌هان مزدور امپریالیسم در ارتش، شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم امریکا و امیرال‌ها دسایس و توطئه‌های تازه‌ای ساز کرده‌اند و در صددند به هر شکلی که می‌توانند به مبارزات توده‌های میلیونی میهن ما که در راه نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا جریان دارد ضرباتی وارد آورند.

بررسی ۱۶ ماهی که از قیام گذشته است، اثبات می‌کند که یکی از حربه‌های دشمنان مردم برای به انحراف کشاندن مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن ایجاد دشمنی کاذب در درون صفوف متحد مردم قهرمان و رزمنده میهنمان و دامن زدن به تفرقه‌ها و دشمنی‌ها بر این اساس بوده است.

ایادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم طی ۱۶ ماهی که از قیام می‌گذرد همواره تلاش کرده‌اند مبارزه علیه امپریالیسم امریکا را از مسیر واقعی خود منحرف کرده و دشمنی با امپریالیسم امریکا را به دشمنی با نیروهای ضدامپریالیست و در راس آن با انقلابیون کمونیست مبدل سازند. آنها در تعقیب هدف‌های ضد مردمی خود به اتحاد عمل و نزدیکی نیروهای ضدامپریالیسم و انقلابی ضربات سختی وارد آورده‌اند. بسیاری از این تلاش‌های ضدمردمی با نام دفاع از اسلام صورت گرفته و می‌گیرد و در این میان کوردلی، انحصار طلبی و قشریت مذهبی جناح‌هائی که نقش موثر و تعیین کننده‌ای در حیات سیاسی جامعه کنونی ما دارند بهترین مشوق و مددکار دشمنان مردم بوده است. حمایت و تشویق این جناح‌ها، علیرغم نیات و اقدامات ضدامپریالیستی شان، به دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا که در درون و بیرون هیئت حاکمه حضور و نفوذ دارند امکان می‌دهد تا مرز دوستان و دشمنان واقعی مردم را تا آنجا که امکان پذیر است مخدوش سازند و در مبارزه علیه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی موفقیت‌هائی به دست آورند. این جناح‌ها، علاوه بر آنچه که گفتیم خود نیز با اتخاذ سیاست‌های ضددمکراتیک و ضد کارگری و به ویژه دشمنی با "انقلابیون کمونیست" تاکنون ضربات سختی به مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما وارد آورده‌اند و در ایجاد ضعف و پراکندگی کنونی نقش درجه اول داشته‌اند.

(مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از فردای قیام "دولت موقت" و "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" وظیفه خود را مبارزه علیه نیروهای ضدامپریالیست و در راس آن انقلابیون کمونیست قرار داد.)

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از قیام تاکنون یکی از ارکان سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی مقابله با نیروهای انقلابی و به ویژه انقلابیون کمونیست بوده است. با این سیاست تخم نفاق و پراکندگی را افشاندند و هم امروز نیز با جعل حقایق و هزاران تهمت و افترا بدان دامن می‌زنند. اکنون آشکارا با توقیف مطبوعات انقلابی در کنار توقیف بجا و درست نشریات وابسته به امپریالیسم و محافل نزدیک به طبقه سرمایه‌دار ایران، با بازداشت و اعدام انقلابیون کمونیست، با تبلیغ جنگ برادر کشی و اقدام به آن و با اخراج "کمونیست‌ها" از محیط های کار و فعالیتشان خواسته و ناخواسته آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و پیروزی بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق‌های ما را به تعویق انداخته و با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌سازند.

(مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه هیئت حاکمه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی دستجات معروف به "حزب الله" را که ماهیت ضد مردمی‌شان دیگر برکسی پوشیده نیست "مردم" می‌خواندند و از هیچگونه حمایتی از آنان کوتاهی نمی‌کردند.)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در آستانه برگزاری بزرگداشت روز تاریخی ۱۵ خرداد که با آن فصل تازه‌ای در مبارزات ضدامپریالیستی دمکراتیک خلق‌های ایران آغاز گردید، ضمن بزرگداشت این روز تاریخی با درود به شهدای به خون خفته خلق که در راه کسب استقلال و آزادی جان‌های پاکشان را فدا کردند در مسئولیت خود می‌داند که توجه همه مردم آگاه و مبارز ایران، تمامی نیروهای انقلابی، ضد امپریالیست و ترقیخواه را به نکات زیر جلب نماید:

۱- دستجات و باندهای وابسته به امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن در روزهای آینده به بهانه دفاع از اسلام و در پوشش "حزب الله" کوشش خواهند کرد تشنجات تازه‌ای در سطح جامعه به وجود آورند. این دستجات تلاش دارند با ایجاد درگیری با نیروهای ضدامپریالیست و در راس آن "انقلابیون کمونیست" دامنه عملیات سرکوبگرانه را گسترش داده و در جهت ایجاد اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی گام‌هائی دیگر به جلو بردارند. وظیفه همه نیروهای انقلابی است که مانع هرگونه درگیری شوند و اجازه ندهند که دشمنان مردم ما به هدف‌های پلید خود دست یابند.

۲- از ۱۵ خرداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور تعطیل می‌شود. ما ضمن اعلام نگرانی خود از تعطیل طولانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آنچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم با تعطیل دانشگاه‌ها و تعرض به حریم دانشگاه با هر نام و بهانه‌ای مخالفیم و آن را به سود مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های ایران نمی‌دانیم.

از سوی دیگر امکان دارد اقدامات عجولانه‌ای با هدف پاسداری از آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجوئی صورت گیرد. ما به همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صراحتا تاکید و توصیه می‌کنیم که از هرگونه اقدام عجولانه خودداری کنند

(ما تاکید می‌کنیم که اقدام به تحصن، اعتصاب و درگیری پیرامون تعطیل دانشگاه‌ها را در شرایط کنونی به سود جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران نمی‌دانیم و مصرا از همه نیروها و هواداران خود می‌خواهیم که ضمن مخالفت با چنین اقدامات و حرکاتی از شرکت در آن جدا خودداری ورزند.)

۳- از آنجا که تعطیل دانشگاه‌ها به بهانه انقلاب فرهنگی صورت می‌گیرد ما اعلام می‌داریم که یک انقلاب فرهنگی واقعی زمانی می‌تواند به ثمر رسد که بنای پوسیده سرمایه‌داری و استثمار انسان از انسان به دست توانای طبقه کارگر ایران از پایه واژگون گردد. ما مبارزه در راه دگرگون ساختن نظام آموزشی، به نحوی که دانشگاه‌ها و مدارس عالی و همه دانشجویان و دانشگاهیان را در خدمت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و در راستای قطع سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در آورد قاطعانه تائید می‌کنیم و در این مبارزه دوشادوش و پیشاپیش زحمتکشان گام برخواهیم داشت.

ما بار دیگر اعلام می‌داریم که مبارزه برای استقرار یک نظام مردمی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی به هیچ وجه آن چیزی نیست که در اول و دوم اردیبهشت ماه جاری اتفاق افتاد و به شهادت دهها دانشجو و زحمتکش ضدامپریالیست و انقلابی انجامید. ما آنچه را که به نام "انقلاب فرهنگی" با رهبری حزب جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی صورت گرفته است لکه ننگینی بردامن جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم که با حماسه مقاومت دلاورانه دانشجویان در راه کسب استقلال و آزادی در تاریخ مبارزات رهائی‌بخش مردم میهنمان ثبت خواهد شد.

۴- ما از همه هواداران خود می‌خواهیم با هوشیاری انقلابی حوادث و اتفاقاتی را که این روزها احتمال وقوع دارد مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. به میان مردم بروند و حقایق را برای آنها توضیح دهند. رهبران و تحریک کنندگان اقدامات ضددموکراتیک و سرکوبگرانه را به مردم بشناسانند و نتیجه و مضمون اقدامات آنها را که علیه مردم و مطالبات و آرمان‌های آنان و به سود دشمنان مردم و در راس آن امپریالیسم امریکا تمام می‌شود برای مردم توضیح دهند.

گسترده‌تر باد همگامی و همکاری همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند!
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا
پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۹ خرداد ماه ۱۳۵۹

در حاشیه سفر رهبران "بین‌الملل سوسیالیستی" به تهران

● *سیاستی که دوستی با امپریالیست‌های اروپایی را طرح می‌کند، سیاستی مغایر با خواست‌های استقلال‌طلبانه مردم ایران است. و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا) تفاوت دارد!*

روز دوشنبه پنجم خرداد ماه "رهبران " بین‌الملل سوسیالیستی " به دعوت رئیس جمهور و برای انجام "مذاکراتی " با رئیس جمهور و شورای انقلاب وارد تهران شدند.

بین‌الملل سوسیالیستی ادامه جناح راست بین‌الملل دوم است که در اوائل قرن حاضر از اتحاد احزاب سوسیال دمکرات و کارگری جهان به‌وجود آمد. اما در دوره جنگ جهانی اول این بین‌الملل به سه جناح راست مرکز و چپ تقسیم شد. جناح انقلابی آن زیر رهبری حزب کمونیست (سوسیال دمکرات) روسیه و لنین قرار داشت. این جناح انقلابی در مقابل جنگ امپریالیستی شعار صلح و تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ انقلابی برای سرنگونی دولت‌های امپریالیستی را مطرح می‌کرد. جناح مرکز و جناح راست که امروزه همین "بین‌الملل سوسیالیستی" ادامه آن است مدافع جنگ امپریالیستی بودند. آنها با شعار دفاع از میهن جنگ خانمان برانداز امپریالیست‌ها برای کسب غنائم و بازارهای جدید را توجیه و تائید می‌کردند و در آن شرکت کردند. آنها به زائده امپریالیسم تبدیل شدند.

پس از انقلاب اکتبر روسیه لنین و بلشویک‌ها با محکوم ساختن خیانت رهبران انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم یعنی سازمان همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان را تشکیل دادند. رهبران و احزاب بین‌الملل سوسیالیستی یا همان انترناسیونال ۲ دفاع سرسختانه خود از سرمایه‌داری را ادامه دادند و تبدیل به احزاب سرمایه‌داری تمام عیار شدند که فقط نام سوسیالیست را ظاهرا حفظ کرده بودند. آنها امروزه نماینده منافع یک جناح از سرمایه‌داری و امپریالیسم هستند.

حزب کارگر انگلستان، حزب سوسیال دمکرات فرانسه حزب سوسیال دمکرات آلمان (به رهبری ویلی برانت) و... از جمله اعضای این بین‌الملل امپریالیستی هستند. آنها هر جا که زمام دولت‌ها را به دست گرفته‌اند در اساس همان سیاست‌های امپریالیستی را به پیش رانده‌اند و غارت و استثمار خلق‌ها را به پیش برده‌اند.

بدنیست اشاره کنیم که حزب کارگر اسرائیل که مدتها زمام امور دولت صهیونیستی اسرائیل را در دست داشته و گلدا مایر از رهبران "بنام" آن است نیز عضو همین بین‌الملل هستند. نقش سرکوبگرانه و ارتجاعی این حزب نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

و اکنون " رهبران" این بین‌الملل امپریالیستی به تهران آمده‌اند تا " انقلاب ایران را از نزدیک مورد ارزیابی قرار دهند". ؟!! برنو کرایسکی و سایر "رهبران" پس از ملاقات با بنی‌صدر اعلام کردند که " از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند"؟!" و در بسیاری از زمینه‌ها با ایران مواضع مشترکی دارند" جالب آنکه در بیانیه رسمی دفتر ریاست جمهوری در مورد سفر حضرات از آنها به عنوان نیروهای مترقی اروپا ؟! یاد می‌شود.

سیاست تکیه بر اروپا برای مبارزه با " دو ابر قدرت" چیزی جز این هم از آب در نخواهد آمد. اما ما می‌پرسیم همکاری و داشتن مواضع مشترک با امپریالیست‌های اروپایی آیا بجز وارد کردن امپریالیسم امریکا از در عقب نیست؟

امپریالیست‌های اروپایی اساسا" دارای منافع مشترکی با امریکا بوده و مبارزه علیه آمریکا جدا از مبارزه علیه یاران و همکاران و همدستان آن یعنی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم جهانی نیست. سفر این عناصر به تهران زمینه دیگری است از کوشش همه‌جانبه امپریالیست‌ها برای به شکست کشاندن جنبش ایران. مردم ما نه تنها این نیروها را مترقی نمی‌دانند بلکه آنها را دشمن خود می‌دانند و هرگز دست دوستی به سوی آنها دراز نخواهند کرد. سیاستی که دوستی با امپریالیست‌های اروپایی را طرح می‌کند سیاستی مغایر با خواست‌های استقلال طلبانه مردم ایران است و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا) تفاوت دارد!

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن دشمنی با آرمان مردم است

● *فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت‌خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد.*

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا همزمان با تدارکات عظیم نظامی و سازماندهی نیروهای خود در داخل و خارج از کشور، جنگ تبلیغاتی وسیعی را آغاز کرده است. دوستان و جاسوسان امپریالیسم از طریق رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی و کشورهای دست نشانده منطقه تبلیغات گسترده و مسموم‌کننده‌ای را علیه دستاوردهای خلق ما وسیعا گسترش داده‌اند. آنها در صدد فعال‌تر کردن نیروهای وابسته خود در داخل کشور هستند. خوراک تبلیغاتی رادیوها و کلیه رسانه‌های گروهی امپریالیسم، بر بستر یکسری از عملکردهای غیر دمکراتیک حاکمیت و همچنین عدم پاسخگویی به نیازهای مبرم توده‌ها استوار است.

امپریالیست‌ها با این تبلیغات خود تلاش دارند با توده‌ها را به انفعال سیاسی بکشانند و با از طریق عمال خود در داخل کشور، بخش عقب افتاده و ناآگاه توده‌ها را در کانون‌های ضدانقلابی خود متشکل سازند تا بتوانند به وسیله نیروهای داخلی خود به ویژه در ارتش و با اتکاء به ناوگان نظامی و کشورهای ارتجاعی منطقه نظیر عراق پایگاه متعدد ضد انقلابی در ایران به وجود آورند. در این شرایط نیروهای انقلابی می‌توانند با تبلیغات سیاسی و افشاگری هدف‌های امپریالیسم نقش مهمی در ارتقاء آگاهی‌های توده‌ها و خنثی ساختن طرح‌های امپریالیسم ایفا کنند. هرکس در هر موقعیتی بخواهد مانع تحقق این امرشود و توده‌های زحمتکش ما را از تمام امکانات بالفعل خود برای مقابله با امپریالیسم محروم کند به امپریالیسم خدمت کرده است. به همین دلیل تهاجم به دفاتر سیاسی، جلوگیری از انتشار نشریات و روزنامه‌های مترقی و ضد امپریالیست، زیر فشار قرار دادن گروهها و سازمان‌های ترقیخواه و انقلابی از جانب هر نیرویی که صورت گرفته باشد به نفع امپریالیسم تمام خواهد شد. در تنگنا قرار دادن سازمان‌های سیاسی، مورد شکنجه و آزار قراردادن نیروهای هوادار آنان و زندانی کردنشان برای پخش و توزیع نشریات و اعلامیه‌های ضدامپریالیستی، عملا به مفهوم خلع سلاح نمودن مردم در مقابل تبلیغات گسترده امپریالیسم است.

گرایش فزاینده توده‌ها به طرف سازمان‌های سیاسی ترقیخواه، باعث وحشت عناصر قشری حاکمیت شده است تا بدانجا که برای جلوگیری از نشر افکار این سازمان‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان پیشگام، توزیع کننده این نشریات را طبق قوانین من‌درآوردی دادستان انقلاب بین ۳ تا ۶ ماه به زندان محکوم می‌کنند. در حالی که جنایتکاران و ساواکی‌ها دسته دسته از زندان آزاد شده و بر سر کارهای سابق خود باز می‌گردند، زندانی نمودن رفقای پیشگام که نشریه "کار" را می‌فروشند، گویای عملکردهای ضددمکراتیک این محافل و عناصر است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن اقدامات خودسرانه مسئولینی که به توقیف نشریه کار مبادرت ورزیده‌اند به بازداشت و زندانی ساختن نیروهای پیشگام و ضد امپریالیست و انقلابی اعتراض داشته و آن را عمیقا محکوم می‌کند.

ما اعلام می‌داریم که فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری و آگاهی کامل و با تشخیص درست از ماهیت و عملکردهای امپریالیسم و متحدان داخلی آن به مبارزه علیه دشمنان خلق‌های قهرمان خود ادامه خواهیم داد.

این وظیفه بزرگ تمام نیروهای مترقی و ضدامپریالیست است که با تمام توان خود، برای خنثی نمودن نقشه‌های امپریالیسم اقدام کنند. آنهایی که در شرایط حساس کنونی، تضادهای درون خلق را دامن می‌زنند و نیروهای ضد امپریالیست را به جنگ فرسایشی بر علیه یکدیگر می‌کشانند، به نفع امپریالیسم عمل می‌کنند. بسیار روشن است که تبلیغات گسترده رادیو و مطبوعات دولتی برعلیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی و محدود کردن فعالیت‌های نیروها و عناصر انقلابی آب در آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. امروز دفاع از آزادی‌های دمکراتیک برای ارتقاء آگاهی و تشکل توده‌ها و خنثی نمودن تبلیغات مخرب امپریالیسم نیاز مبرم مردم ما است و توقیف نشریات نیروهای انقلابی و در راس آنها نشریه "کار" اقدامی است خواسته و ناخواسته علیه منافع مردم و آرمان آنان که رهائی از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است.

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۱ - صفحه ۵

دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران را تهدید می‌کند: ۱- آنارکوسندیکالیسم ۲- رفرمیسم

(قسمت اول)

آنارکوسندیکالیزم (آنارشیزم و سندیکالیسم) یا اگر بخواهیم دقیق تر و کاملتر بگوئیم (در جنبش کارگری ایران) آنارشیزم و اکونومیسم، بمثابه دو وجه از یک انحراف واحد، تبلورش را بیش از همه در "سازمان پیکار" و گروههای مشابه‌اش‌نشان می‌دهد، که در اینمورد قبلا کم و بیش بحث کرده‌ایم در اینجا به رفورمیسم، بمثابه مشخصه سیاسی "حزب توده" و به ویژه در سیاست "کارگری"اش می‌پردازیم. امروز جنبش کارگری ایران (بواسطه فقدان سنت‌های مبارزاتی متشکل و فقر شعور سندیکائی) بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک سیاست کارگری انقلابی و مرزبندی هرچه‌روشن‌تر و قاطعانه‌تر آن با انواع انحرافاتی است که دامنگیر این جنبش‌اند. تحقق صف مستقل پرولتری در گروی تدوین یک سیاست انقلابی کارگری و ترسیم یک مرزبندی مشخص با انحرافات رفورمیستی و آنارشیستی درون جنبش کارگری و کمونیستی ایران بوده و به تبلیغ و ترویج فعال و پیگیر این سیاست در طبقه کارگر ایران بستگی دارد. کوشش در جهت شناخت این انحرافات و سپس انتقاد، افشاء و ازبین بردن آن، لازمه ترسیم یک مرزبندی روشن با این انحرافات است.

لنین درباره ریشه‌ها و مختصات این دو انحراف چنین می‌نویسد:

"هم آنارکوسندیکالیزم و هم رفورمیسم را باید بعنوان محصول بلاواسطه جهان‌بینی بورژوائی و تاثیر آن بینش، مورد توجه قرار داد. آنها یک جنبه از جنبش کارگری را می‌گیرند و آنرا بطور یک بعدی و یکجانبه تا حد یک تئوری بالامی‌برند و متفقا آن جنبه را کو ویژگی شرایط مشخصی از مبارزه کارگران است، بمثابه یک نظریه تعمیم می‌دهد... اپورتونیسم راست... رفورم را به مثابه تحقق جزئی و گام به گام سوسیالیسم مورد توجه قرار می‌دهند و آنارکو - سندیکالیست‌ها (با قیافه‌هائی حق به جانب) "خرده‌کاری" را (به‌ویژه در استفاده از پلاتفرم پارلمانی) مردود می‌دانند. ولی تاکتیک‌های آنارکو - سندیکالیست‌ها (علیرغم شکل متفاوتش با تاکتیک‌های رفورمیست‌ها) در عمل به همان مضمون صبر و انتظار برای "روزهای بزرگ" منتج می‌شود. صبر و انتظاری توام با درماندگی و ناتوانی در بسیج نیروهای وسیع توده‌ای. هردوی اینها چیزی را مخفی می‌کنند که مهمترین و ضروری‌ترین چیزهاست. یعنی متحد ساختن کارگران در سازمان‌های بزرگ، قدرتمند و منضبط در تعهد به رسالتی که تحت هرگونه شرایطی دارند. یعنی تربیت و تشکل کارگرانی که با روح مبارزه طبقاتی، اهداف تاریخی‌شان را درک کرده و به جهان‌بینی واقعا انقلابی (مارکسیسم) تجهیز شده باشند."

(لنین - انحرافاتی در جنبش کارگری اروپا)

این دو جریان انحرافی ظاهرا متفاوت، در یک مسئله اساسی با هم سهیمند و آن ایجاد اختلال و انحراف در امر تربیت و تشکل سوسیالیستی پرولتاریاست.

برخلاف آنارشیست‌هاکه اساسا از موضع "پائین" (یعني از همان موضع کساني که تحت حاکمیت یک حکومت قرار دارند) با "بالا" (حاکمیت) برخورد می‌کنند و آنرا همواره و در هر شرایطي مورد عتاب قرار می‌دهند و نقش مبارزه غیرقانونی را مطلق می‌کنند، رفرمیست‌ها از این نظر درنقطه مقابل آنها قرار می‌گیرند، آنها عموما از موضع و کانال حاکمیت و قانون، مسائلشان را مطرح می‌کنند و همواره با توجه به مصالح حاکمیت موجود، توده‌ها را "رهبری" می‌کنند! از اینرو در تعقیب و بررسي سیاست‌ها و شعارهای کارگری "حزب توده" نباید در لابلای می‌پردازد. نمونه‌های بسیار دیگر از این قبیل، نشان می‌دهد که سیاست "حزب توده" نه برمبنای منافع و خواست‌های توده‌ها و بمویژه کارگران، بلکه بر مبنای مصالح گروههای حاکمه حتي سازشکارترین محافل آن مبتني است. این بینش، گسترش صرفا "قانونی" مبارزه را اصل قرار می‌دهد و مبارزات انقلابی توده‌ها را در چارچوب تنگ ضوابط عقب مانده محدود و محصور کرده و چه بسا متلاشی می‌سازد.

"حزب توده" از نظر حضور و شرکت در جنبش توده‌ای و بخصوص جنبش کارگری و سازماندهی حرکات اعتراضی آن، حتي یک گام انقلابی برنداشته و اساسا فاقد حداقل پراتیک انقلابی کارگران بوده است. اینکه بطور روزمره (برخلاف سازمان پیکار و دیگران) این یا آن اشتباه چشمگیر و بارز در این یا آن کارخانه و کارگران از

هرچند "حزب‌توده" در کارخانه‌ها، از نظر سیاست (سیاست پرولتری) فاقد حیات است، ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تاثیرات سوء و مخرب بینش رفرمیستی آن، نه تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید باردیگر تاکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران است.

صفوف اعتراضی توده‌های کارگر و در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بیهوده پرسه زنیم. چون چیزی جز رد پاهای محو فورمن‌ها (مباشرها) و سرپرست‌ها و معدودی "پرولتاریای بازنشسته" نخواهیم یافت. چون اینها در اندیشه تسخیر سنگرهای واقعی مبارزه نیستند. آنها چشمهایشان نگران کرسی‌های پارلمانی و میزهای کنفرانس‌هاست. این "واقع بین‌های حقیقی" برای تسخیر سنگرها نیازی به برخورد سینه به سینه کارگران متشکل با طبقه سرمایه‌دار نمی‌بینند و ترجیح می‌دهند که ابوابجمعی‌شانرا با کرنش از کنارش بگذرانند. چه، رفرمیسم "حزب توده" تنها در مبارزه قانونی‌اش در چارچوب تبعیت بي‌چون و چرا از سیاست‌های "نه شرقی نه غربی" خرده‌بورژوازی خلاصه نمی‌شود بلکه همچنین در کرنش ناگزیر آن در برابر بورژوازی، نیز خود را نشان می‌دهد. "حزب توده" هنگامی که از توطئه "ضد انقلاب" در سراسر ایران صحبت می‌کند، می‌گوید که:

"ضدانقلاب در مقابل اقدامات آقای مدنی (استاندار خوزستان) کارشکنی می‌کند و مانع از پیشرفت انقلاب می‌شود"

و این در شرایطی است که تیمسار مدنی دستور خروج دکل‌های حفاری سانتافه را می‌دهد (یعني در خدمت امپریالیسم به خلق ضربه می‌زند) برعلیه شوراهای کارگری در سطح منطقه خوزستان به توطئه و تهاجم متوسل می‌شود، برخی از شوراها (ایران ترمینال و فولاد...) را سرکوب می‌کند و به کشتار بیرحمانه مردم خوزستان او سر نمی‌زند، انعکاس یک سیاست کارگری متین نیست، بلکه به خاطر آن است که هیچگونه حضور مشخص و فعالی در این حرکات ندارد و از این نظر (فعالیت از "پائین") تقریبا مصداق این گفته رفیق هوشی مین است که می‌گفت:

"تنها مرده‌ها هستند که اشتباه نمی‌کنند (چون حرکتی ندارند)."

هر چند "حزب توده" در کارخانه‌ها، از نظر سیاسی (سیاست پرولتری) فاقد حیات است ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تاثیرات سوء و مخرب بینش رفورمیستی آن، نه‌تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید باردیگر تاکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشي انقلابی در جنبش کمونیستی ایران، است. سیاست و تاکتیک‌های "حزب توده" در رابطه با مسائل کارگری و با طبقه کارگر قبل از هر چیز بر این پیشداوری و توهم استوار است که این جریان خود را "حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران" می‌نامد. حزب طراز نوین طبقه کارگر هم یعني ستاد و سازمان سیاسی رهبری کننده طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران. این ادعا در دو وجه می‌تواند بطور مشخص مورد ارزیابی قرار گیرد:

۱- میزان نفوذ و پیوند تشکیلاتی این "حزب" با طبقه کارگر ایران.

۲- ایدئولوژی، سیاست و تاکتیکهائی که معرف این "حزب" است. هرچند برای اطلاق کلمه حزب به یک

بقیه درصفحه ۸

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

خوزستان: توطئه های حکومت عراق وفعالیت عوامل وابسته به آن

جنبش انقلابی توده‌ای در ایران، پیروزی قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه ضمن برهم زدن تعادل قوا، به زیان سلطه امپریالیسم جهانی بر رشد جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های منطقه نیز تاثیری مثبت داشته است. این تاثیرات و نتایج،بطور آشکاری رژیم‌های وابسته و ارتجاعی منطقه را دچار آشفتگی و نگرانی ساختد است.

رژیم بعثی عراق در شرایطی که بحران سیاسی داخلی ضرورت اعمال سیاست‌های خشن و فاشیستی را فراهم ساخته است و در شرایطی که به دلایل سیاسی‌ـ فرهنگی مشخص بیش از هر کشور دیگری در معرض تاثیر پذیری از مبارزات ایران است نخستین کشوری است در منطقه که در برابر حکومت جدید ایران علنا موضع خصمانه اتخاذ می‌کنند. به این منظور رژیم عراق با انگشت گذاشتن روی نقاط ضعف اساسی حکومت جدید ایران (که ازجانب‌آنها قابل بهره‌برداری است) یعنی مسئله خلق عرب مسئله جزایر تنب و ابوموسی و غیره هدف‌های خود را دنبال می‌کند.

سیاست‌ها و تاکتیکهائی که حکومت عراق در برخورد با زمامداران جدید ایران در پیش گرفته، اشکال متنوعی دارد که مهمترین آنها را در زیر توضیح می‌دهیم:

۱ـ برقراری ارتباط نزدیک با شیوخ و روسای‌عشایرعرب. ارسال اسلحه و مهمات از طریق آنها به منطقه، مسلح ساختن توده‌های عشایر، به این وسیله و ایجاد موانعی جدی در راه تحکیم موقعیت و سلطه رژیم جدید در خوزستان * (یا به اصطلاح بعثی‌ها حکام جدید ایران).

شیوخ و روسای عشایر که عموماوابسته و سرسپرده به رژیم شاه بودند و سالها به صورت اهرم‌های سرکوب و خفقان و عقب افتادگی فرهنگی و سیاسی انجام وظیفه کرده‌اند، به دنبال پیروزی قیام بهمن و برای نجات موقعیت متزلزل شده خود به دوصورت و از دو جهت دست به تلاش زدند. مضمون این تلاش در واقع یافتن تکیه‌گاه‌های جدیدی بود که بتوانند با اتکاء به آنها نتایج زیان‌بار خلاء قدرت ناشی از قیام را که به شدت متوجه آنها شده بود دفع نماید. بخشی از آنها که طرفی و کرمی از یک طرف و سالمی و مزرعه و آل‌علی از سوی دیگر نمایندگان برجسته‌شان محسوب می‌گردند علیرغم نزدیکی مسلم با رژیم شاه و ساواک و یا روابط نیمه آشکار، دور سفره رنگینی که مدنی برای آنها گسترده بود گرد آمدند ** و بخش دیگر عداوت و دشمنی دیرینه خود را با بعثی‌های عراق نادیده گرفته و دست دوستی عراق را که همراه با محموله‌های اسلحه و مهمات و کیسه‌های دینار عراقی و دلار امریکائی به سویشان دراز شده بود فشردند. ***

۲ـ تبلیغات سیاسی و فعالیت رادیو تلویزیونی.

گیرنده‌های رادیو ـ تلویزیون‌در اغلب نقاط خوزستان بخصوص نواحی عرب‌نشین، جنوب و غرب با اندکی دستکاری به خوبی قادرند برنامه‌های شبکه رادیو تلویزیون عراق را که در بصره تقویت می‌شود، پخش نمایند برنامه‌های این شبکه بخصوص برنامه‌های تلویزیونی آن در میان اعراب خوزستان از اقبال چشم‌گیری برخوردار است. تنوع برنامه‌ها و عربی زبان بودن آنها دو امتیازی است که بیننده عرب را به دیدن برنامه‌های این شبکه ترغیب می‌نماید. ارگان‌های تبلیغاتی رژیم بعثی با بهره‌برداری از این امکان در طول سال گذشته متناسب با چرخش‌هائی که در سیاست آنها در قبال "جمهوری اسلامی" داده می‌شود برنامه پیوسته ولی گاه فشرده و گاه ملایمی را در زمینه تبلیغات علیه سیاست‌های ارگان‌ها و عناصر حاکمیت جدید پیش می‌برند. گفته‌های سیاسی هرروزه و بخش‌های‌متوالی خبری بیشترین وظیفه را در این زمینه برعهده داشتند. ترتیب مصاحبه‌هائی‌با "برادران عرب پناهنده" و انتشار گزارشاتی پیرامون وضع رقت بار برادران عرب "عربستان" (مقصود خوزستان است) نیز اغلب چاشنی برنامه‌های خبری بودند. موضوع تبلیغات بسته به شرایط، تغییراتی پیدا می‌کنند ولی آیت‌الله خمینی همواره در کانون تمام این تبلیغات قرار می‌گرفت مسائلی نظیر دفاع از حق خودمختاری برادران عرب "عربستان" اعتراض به ادامه اشغال سرزمین‌های عربی به دست اشغالگران ایرانی (منظور جزایر تنب و ابوموسی است) اعلام آمادگی نظامی برای پاک کردن این جزایر از وجود نژاد پرستان ایرانی، اعتراض به دستگیری و کشتار اعراب مبارز "عربستان"، اعتراض به ادامه اختناق و دیکتاتوری در سرزمین‌های عربی ایران، تشدید بحران اقتصادی وبیکاری و غیره مضمون اصلی گفتارهای سیاسی این شبکه محسوب می‌گردند.

رادیو عراق بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می‌دهد. بسیاری از این اخبار بکلی جعلی هستند.

رادیو عراق همچنین بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می‌دهد. بسیاری از این اخبار بکلی جعلی هستند. برای مثال رادیو بصره در جریان درگذشت آیت‌الله طالقانی خبر می‌دهد که "خمینی با ریختن زهر در غذای طالقانی او را به قتل رسانیده است" و یا در توصیف ابعاد بحران اجتماعی ـ اقتصادی در ایران، در طول حکومت زمامداران جدید بیش از ۴ میلیون نفر در اثر گرسنگی و قحطی به هلاکت رسیده‌اند و یا اعلامیه‌های جعلی بنام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرائت می‌نماید**** پخش اعلامیه‌های گروههای سیاسی "عربستان" انتشار اخبار و گزارش‌های مستند و یا فیلم‌های خبری از انفجارها و خرابکاری‌ها قسمت دیگری از فعالیت تبلیغاتی رژیم بعثی عراق است.

کمک به تشکل نیروها و جریان‌هائی که برای پیشبرد اهداف و مقاصد رژیم بعثی در منطقه مفید تشخیص داده می‌شود. کوشش در ایجاد ارتباط ارگانیک با این تشکل‌ها. سازمان‌ها و دستجات زیر از جمله این تشکل ها به شمار می‌روند:

"الحرکه الجماهیریه العربیه فی الایران".

این جریان بین ۲۵ تا ۳۰ خرداد ۵۸ بیانیه‌ای انتشار می‌دهد و طی آن موجودیت خود را اعلام می‌دارد. یعنی قریب ۴۰ روز پس از سرکوب خونین خلق عرب و از هم پاشیدن "سازمان سیاسی خلق عرب" که سازمانی مشخصا وابسته به عراق و زیر نفوذ شیوخ و روسای مرتجع و سرسپرده عشایر بودx.

بقیه‌درصفحه ۷

* رژیم بعثی عراق اخیرا به منظور توزیع سلاح در میان توده‌های عرب و تشویق آنان به خرابکاری شیوه دیگری نیز به شیوه‌های سابق خود افزوده است. ماموران مرزی عراق در مناطق بستان، ابوچلاچ، خوابه و سیدیه در میان روستائیان عرب به توزیع اسلحه همراه با مواد غذائی نظیر برنج، روغن و بخصوص مایحتاج نایاب شده مردم نظیر تاید، روغن نباتی و حتی زرد چوبه مبادرت می‌نماید.

** سالمی، مزرعه و آل علی از مزدوران سازمان امنیت بودند که توسط مدنی به آنها اجازه فعالیت صادقانه در راه جمهوری اسلامی ایران داده شده بود.

*** فیصلی، چاسبی، مزار پور و دیگران از جمله معروفترین شیوخی بودند که همکاری و نزدیکی با عراق را پذیرفتند. مکی فیصلی از وابستگان به دربار بود و هم اکنون در عراق به سر می‌برد ولی سید هادی مزاری‌پور قبلا به جرم جاسوسی به سود عراق دستگیر و زندانی شده بود و پس از خلاصی از زندان مدتی کوتاه با حمایت فیصلی توانست موقعیت مالی خوبی برای خود دست و پا کند. این شخص به دنبال درگیری‌های خرمشهر به عراق متواری شد.

**** در این اعلامیه‌ها، سازمان به شدت ارتجاع حاکم در ایران را مورد حمله قرار می‌دهد.

x هجوم سرکوبگرانه ارتش و نیروهای مسلح رژیم به سایر سازمان‌های‌خلقی عرب هم‌چنین به تصرف کانون فرهنگی خلق عرب (محمره) که جریانی دمکرات و دارای جناح‌های رادیکال بود منجر گردید. در بخش دیگر این گزارش ما به معرفی این سازمان خواهیم پرداخت.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی، وفرهنگی

خوزستان: توطئه‌های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته ...

بقیه از صفحه ۶

"الحرکته‌الجماهیریته...

به احتمال قوی با گرد هم آمدن قسمتی از عناصر تشکیل دهنده "سازمان سیاسی خلق عرب" شکل گرفته است مهمترین چهره آن شیخ کریم نعمه یکی از ماموران برجسته سازمان امنیت شاه است که سالها قبل برای جاسوسی از طرف ساواک به ماموریت فرستاده شده بود. عراق این شخص را دستگیر و در تحویل و تحولاتی که صورت می‌گرفت تحویل ایران داده. این جریان در راهپیمائی‌ای که حدود ۳ ماه قبل در اهواز ترتیب داده بود، عکس‌های صدام حسین را با خود حمل می‌کردند و آشکارا به نفع رژیم بعثی‌عراق شعار می‌دادند. در بیانیه‌های خود از سه اصل خودمختاری مبارزه با کمونیسم و اتحاد عشایر عرب جانبداری می‌کند. در برخی از اعلامیه‌های خود نیز از صدام حسین به نام "بطال" یا قائد اعظم نام می‌برد. فعالیت این کروه نسبتا محدود است. (البته فعالیت آشکار آنها) نشریه‌ای منتشر می‌کند به نام "الثوره..." که بطور منظم انتشار می‌یابد افراد آن عموما مسلح هستند و حتی در راهپیمائی‌ها نیز بصورت مسلح شرکت می‌کنند نیروی عمده‌ای که این جریان در اختیار دارد، توده‌های عشیره‌ای ساکن نواحی در سوسنگرد، بستان و ابوچلاچ می‌باشد. در شهر پایگاهی در میان روشنفکران و محصلین یعنی نیروی فعال سیاسی خلق عرب ندارند. قرائن و شواهد موجود نشان می‌دهد که این گروه هسته اصلی و سازمان یافته نیرویی است که عملیات خرابکارانه و بمب‌گذاری چند ماه اخیر را انجام داده است.

نقش موثر الجماهیریه در انفجارات جنوب کاملا تائید شده است.

جنبش مجاهدین خلق مسلمان عرب ایران:

این جریان نیز به دنبال متلاشی شدن سازمان سیاسی خلق عرب" به صورت فعال‌تری در عرصه سیاسی منطقه ظاهر شد. تبلیغ به نفع شیخ محمد طاهر و دفاع از مواضع لیبرالی وی مضمون اصلی فعالیت‌های این گروه را تشکیل می‌دهد. دعوت به انجام چند راهپیمائی در خرمشهر که طی آن بازگشت شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی به عنوان اساسی‌ترین خواست مطرح می‌شود، از جمله فعالیت‌های این گروه است. "جنبش مجاهدین خلق مسلمان‌عرب" به زعم ما جریانی است متشکل از بخشی نیروهای لیبرال با گرایش‌های ناسیونالیستی افراطی. عناصر اصلی تشکیل دهنده این جریان نیز به احتمال‌قوی از بازماندگان اصلی "سازمان سیاسی خلق عرب" و فعالین قبلی آن می‌باشند. این جریان‌هرچند کوشش بسیاری برای منزه

جلوه دادن خود از ننگ رابطه با عراق و یا عناصر مرتجع‌محلی دارد ولی به صراحت می‌توان اطمینان داد که پیشنهاد کمک از سوی رژیم بعثی عراق‌را همواره پذیرفته است. همچنانکه حمایت مکی فیصلی و کارون و دیگر وابستگان محلی و شیوخ مرتجع و سرسپرده را.

این‌جریان حاصل تمایلات و گرایشات شوینیستی استتار شده عناصر رهبری خود می‌باشد. تمایلاتی که با تجزیه طلبی فاصله چندانی ندارند. پایگاه اجتماعی این جریان را بخشی از بورژوازی بومی‌عرب، لایه‌هایی از شیوخ که در نتیجه بسط مناسبات سرمایه‌داری از فئودال‌های عشیره نشین به سهامداران شرکت‌های کشتیرانی، حق‌العمل کاری، پیمانکاری و ... تغییر موقعیت یافته‌اند. ولی هنوز از امکاناتی که سنت و عرف عشیره در اختیارشان قرار داده بهره‌مند هستند. و نیز بخش‌هائی از خرده‌بورژوازی شهر و روستا که تحت فشار ستم ملی به نفوذ ایدئولوژی ناسیونالیستی بورژوائی‌تسلیم شده‌اند و همچنین گروه‌هائی از محصلین و روشنفکران شهری‌تشکیل می‌دهند.

به همین جهت چنانچه خلاء سیاسی موجود ادامه یابد، چنانچه سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی خلق عرب نتوانند به وظایف خطیر خود در قبال زحمتکشان خلق خود عمل نموده و درجهت برقراری پیوند هرچه وسیع‌تر و هرچه سریع‌تر با توده‌های زحمتکش شهر و روستا و هدایت نارضائی‌ها و مبارزات رو به فزونی توده‌ها و تشکل آنان بطور موثر حرکت ننمایند، جریان اخیر در صورت فراهم شدن شرایط مناسب سیاسی خواهد توانست پایگاه خود را در میان توده‌های عرب گسترش دهد (فراهم شدن امکان آزادانه‌تر فعالیت و یا برخورداری از حمایت جناح‌هائی از هیئت حاکمه که در صدد بهره‌برداری از بحران سیاسی منطقه برآیند و احتمال‌های دیگر از جمله شرایط مناسبی خواهند بود که به گسترش فعالیت و ارتباط آنها با توده‌های عرب منجر خواهد گردید) سیاست سرکوبگرانه هیئت حاکمه در قبال خلقها و ادامه ستم و نابرابری ملی در شرایط رشد آگاهیهای دمکراتیک در میان توده‌های عرب خطر رشد گرایشات ناسیونالیستی، در میان توده‌های عرب و تقویت مواضع بورژوازی عرب را افزایش داده است.

گروهها و دستجات چریکی کوچک

تلاشی سازمان‌های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری‌ها و اعدام‌های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت. قهر و عصبیت ناشی از سرکوب و تلخی حاصل از پیروزی سهل‌الوصول رژیم حاکم برای رشد گرایشات کور انتقام‌جویانه، بخصوص در میان توده‌های جوان و تازه به‌میدان آمده شهری زمینه مناسبی فراهم ساخت.xx

این گرایشات به ویژه در مقطعی که ستاد سازمان چریکهای‌فدائی‌خلق ایران در آبادان به تصرف کمیته‌ها در آمده بود و فعالیت سازمان عمدتا بسیار محدود شده بود و در شرایطی که دیگر گروهها و سازمان‌ها به دلیل ضعف و عدم توانائی از پرداختن به مسائل خلق عرب شانه خالی می‌کردند، عوامل بعثی فرصت طلائی یافتند این عوامل با استفاده از این شرایط توانستند با **هسته‌ها و گروههای خشمگین جدیدالولاده که از کمترین تجربه سیاسی محروم بودند و مقابله با دشمن ملی خود را تنها در مقابله نظامی** آنهم **با رسوبات چریکی** می‌پنداشتند، **رابطه برقرار سازند و با تعهد در اختیار** گذاشتن **سلاح و مهمات و** آموزش **افراد آنها نفوذ** سیاسی خود را بر آنها اعمال نمایند **گروههائی** نظیر **چهارشنبه سیاه**xxx و **یا گروه چریکی صاعقه که هر** یک طی **بیانیه‌هائی** مسئولیت یک رشته از **عملیات خرابکاری در منطقه از قبیل آتش زدن انبارها، حمله به فرودگاههای آبادان و اهواز، انفجار لوله‌های** نفت و.... به عهده **گرفته‌اند**، از این دسته **محسوب می‌گردند.**

تلاشی سازمان‌های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری‌ها و اعدام‌های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت.

---

xx ر[illegible] عراق به دنبال وقو[illegible]وب خرمشهر اعلام نمود هرکسی که به انتقام خون برادران عرب خود یکی از مراکز اقتصادی ـ اداری ـ اجتماعی دولتی و یا متعلق به نژادپرستان ضد عرب را منفجر ساخته و یا طعمه حریق نماید و بتواند با مدارک مستندی اقدام خود را اثبات نماید، دولت عراق به وی ۶ هزار دینار عراقی به اضافه یک قبضه کلاشینکف و فشنگ کافی و مهمات مورد علاقه هدیه خواهد کرد.

xxx این گروه نام خود را از چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۵۸ گرفته است روزی که نیروهای ارتش، پاسداران و شبه نظامیان محلی به سازمانهای سیاسی و فرهنگی خلق عرب خرمشهر حمله کرده و پس از به تصرف در آوردن این مراکز اعتراض توده‌های عرب شهری و روستائی این منطقه را با وحشیگری سرکوب نمودند.

با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

دو گرایش انحرافی مشخص ...

بقیه‌ازصفحه ۵

تشکیلات سیاسی ، میزان پیوند تشکیلاتی‌اش به اندازه تئوری و سیاستش تعیین کننده نیست و ما بر آن نیستیم که به صرف بضاعت ناچیز این "حزب " در نفوذ و پیوند تشکیلاتی ، مسئله حزب بودن یا نبودنش را زیر علامت سئوال قرار دهیم ، بلکه محور برخورد ما با دیدگاه سیاست‌و تاکتیک‌های آن ، در قبال جنبش کارگری ایران است . ولی ادعاهای واهی رهبران این جریان چه در گذشته و چه حال ، همواره حاکی از تلاشی مذبوحانه در جهت تصویر ابعادی مبالغه‌آمیز و دروغین از واقعیت‌وجودی‌اش و نفوذ توده‌ای آن بوده و هست. آقای کیانوری یک هفته قبل از قیام ، در مصاحبه‌ای در خارج از کشور ، وقتی که در باره اعتصابات عظیم نفتگران از او می‌پرسند ، به دروغ ادعا می‌کند که " *کارگران نفت ، تنها از حزب توده ، تبعیت می‌کنند* ".

(روزنامه اطلاعات ، ۱۶ بهمن ماه ۵۷)

کسی که ادعای کمونیست بودن دارد ، باید بداند که کمونیست‌ها هیچگاه به مردم دروغ نمی‌گویند . متعاقب اعلام این نظر از سوی کیانوری و انتشار آن در ایران ، کارگران نفت جنوب با شنیدن آن ، به خشم می‌آیند و طی یک تظاهرات ، نفوذ و انزجارشان را از این ادعا و این "حزب صاحب نفوذ نشان دادند. اعتراض وسیع توده کارگران ، میزان "نفوذ توده‌ای و درجه " محبوبیت آن را به درستی نشان داد! از قیام تاکنون نیز که دوره پر جنب و جوشی در جنبش کارگری ایران بود ، و حرکات خود انگیخته بسیاری به وقوع پیوست ، اثری از حضور و شرکت این حزب" در آنها دیده نشد تا تبعیت کارگران از سیاست‌های آن ، اساسا مطرح شود.

حزب توده عینیت حرکات کارگری را نمی‌تواند و نمی‌خواهد ببیند و تاکتیک‌هایش نیز پیوندی با خواست‌ها و حرکات عینا موجود کارگران ندارد. زیرا همانند همه رفرمیست‌ها *اساس تاکتیک‌هایش نه بر مبنای عمل مستقیم کارگران برعلیه کارفرمایان ، بلکه بر پایه مباحثات روسا (که به نام توده‌ها صورت می‌گیرد) قرار دارد*

(سندیکاهای سرخ) تبلیغ و ترویج سیاسی این "حزب برای کارگران ، نه بر محور وظایف سوسیالیستی و یا وظایف دمکراتیک پرولتری بلکه حداکثر حول مصالح خرده‌بورژوائی ، آنهم در چارچوب مبارزات قانونی صورت می‌گیرد و نشان می‌دهد که عزمش را جزم کرده است تا آنجا که در توان دارد تحقق صف مستقل پرولتری را مخدوش کرده و ضرورتش را عملا منکر شود.

حزب توده به امر حیاتی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دمکراسی و سازماندهی طبقه کارگر برای تامین هژمونی پرولتاریا اعتقادی ندارد. این حزب سازماندهی طبقه کارگر را در چارچوب حزب توده ایران متبلور می‌بیند و از ضرورت سازماندهی طبقه کارگر ایران ، ضرورت وجودی خود را می‌فهمد رفورمیست‌های حزب سوسیال دمکرات روسیه در سالهای ۱۱-۱۹۱۰ نیز این شعار را موعظه می‌کردند که:

آنچه که برای پرولتاریا ضرورت دارد ، یک حزب طبقه کارگر است نه هژمونی آن

ولنین تاکید می‌کرد:

حزب طبقه کارگری که به وظایف اولیه‌اش یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دمکراسی و بسیج و تشکل پرولتاریای انقلابی به منظور کسب هژمونی طبقه کارگر ، عمل نکند ، حزبی ارتجاعی است .

درکی که حزب توده از تشکل‌های علنی کارگری (سندیکا و شورا و ...) دارد درکی فرصت طلبانه و در عین حال سطحی است . او از سندیکای طبقاتی حرف می‌زند ولی در عمل بدان اعتقاد ندارد و درکش از شورا نه شورای انقلابی بلکه شوراهای حل اختلاف و حکمیت و یا حداکثر شوراهای مشورتی است . در آستانه قیام و پس از آن در بسیاری از واحدهای کارگری ، شوراها بر زمینه اعتراضات و حرکات انقلابی خودانگیخته و از درون کمیته‌های اعتصابی کارخانه سر برآوردند و تشکل شورائی شکل عمده تشکل توده‌ای در کارخانه‌ها گردید و نقش مهمی در جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها و همچنین ارتقاء سطح مبارزاتی کارگران ایفا نمود .

حزب طبقه کارگری که به وظایف اولیه‌اش یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دموکراسی و بسیج و تشکل پرولتاریای انقلابی به منظور کسب هژمونی طبقه‌کارگر ، عمل نکند ، حزبی ارتجاعی است .
لنین

مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک به عینی‌ترین و مشخص‌ترین وجه خود ، تجلی‌اش را در شوراها نشان داد. مبارزه بر علیه قوانین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری ، تصفیه و پاکسازی بسیاری از عناصر ساواکی و مزدور ، مبارزه بر علیه سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیزم و فشار انقلابی برای مصادره کارخانجات و اموال آنها و دولتی کردنشان ، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که (در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران) از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن ، و سازماندهی مبارزات کارگران برای کسب حقوق صنفی و ... از جمله اقدامات انقلابی شوراها بود. شکل‌گیری شوراها عمدتا در چارچوب عمل مستقیم توده کارگران در ابعادی وسیع صورت پذیرفت.

اعتصاب ، تظاهرات ، اشغال کارخانه و کارگاه ، تحریم ، تشکیل کمیته‌های اعتصاب یا نبرد ، تعقیب و دستگیری عناصر جاسوس و ضدکارگر در بین صفوف کارگران تحمیل کنترل کارگری به کارفرمایان در عمل مبارزاتی ... از جمله اشکال مختلف عمل مستقیم کارگران محسوب می‌شود .

(سندیکاهای سرخ - از اسناد کمینترن)

لنین دراین‌رابطه تاکید می‌کند:

وظیفه ما این است که عمل مستقیم کارگران را به سنگ‌بنای فعالیت خود بدل کنیم واین وظیفه نیز تنها در صورتی می‌تواند تحقق یابد که عمل مستقیم کارگران ، اساس تاکتیکهای مارا تشکیل دهد .

ادامه دارد (از اسناد کمینترن)

آقای وزیر دارایی !

راه جبران کسری بودجه بیکارکردن کارمندان دولت نیس

وزیر دارائی در کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته گفت برای کم کردن هزینه دولت باید " انقلابی عمل شود و در وزارتخانه‌ها بسته شود و این وزارتخانه‌ها بنا به احتیاجاتشان مجددا شروع به استخدام کنند ". یا اینکه " باتوجه به وضع خانوادگی کارمندان در آمد آنها ، حقوق و مزایای آنها را پائین بیاوریم ، به حدی که کار برای این نوع کارمندان در دستگاه دولتی صرف نداشته باشد " !

این فرمایشات حکیمانه سرآغاز بحث‌هائی است که در هفته‌های آینده از جانب مقامات دولتی برای توجیه ۴۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه عنوان خواهد شد. آنچه روشن است این که کسری بودجه به معنای افزودن به شعله تورم خانمان سوزی است که همراه با بیکاری ، فقر کارگران و زحمتکشان را هر روز افزون می‌کند .

آقای وزیر دارائی باید بهتر بداند که ۷۸ درصد از درآمد دولت از محل فروش نفت تامین خواهد شد و بقیه آن مالیات‌هائی است که از کارگران و زحمتکشان گرفته می‌شود. در سال گذشته تنها ۱۷ درصد از درآمد دولت قرار بود از محل مالیات‌ها به دست آید و آن هم عمدتا مالیاتی بوده است که کارگران و زحمتکشان بطور مستقیم یا غیر مستقیم پرداخته‌اند . براساس پیش‌بینی بودجه سال ۱۳۵۸ شرکت‌های خصوصی (سرمایه داران) تنها ۱۲ درصد از کل مالیات‌ها را پرداخته‌اند و مالیات بر مستغلات و بهره حتی به یک درصد از کل مالیات‌ها نمی‌رسیده است (۰/۹ درصد). در بودجه سال اخیر نیز وضع بهتر از این نیست. بدین‌ترتیب ، آقای وزیر دارائی که مسئول جمع‌آوری مالیات‌ها و طرح پیشنهاد برای قوانین مالیاتی است به جای اینکه

از بی‌عدالتی رسوا کنند
ن در نظام مالیاتی و
دارد حبت به میان آو
انقلا عمل کردن را
بستن وزارتخانه‌ها به منة
اخراج کارمندان م
درست می‌داند .

آقای وزیر دارائی !
جای پیشنهاد کاستن
حقوق و "مزایا"ی کارم
تا به حدی که از روی
گرسنگی کار خود را رها
بگوئید چگونه باید از
نیروی فعال در جهت
نیازهای توده‌های محرو
زحمتکش میهن ما بهره ،
از قریب به یک میلیو
هفتصد هزار نفر مزد و
بگیر دولت اکثریت
حقوقشان تکافوی زندگو
را نمی‌کند. آقای وزی
دارائی ! چرا صحبت
حقوق‌های ۲۰ هزار تو
و بیشتر از آن را نمی‌ک
کسانی که این حقوق
میگیرند نیز کارمند د
هستند . برای کاستن
حقوق این دسته نیاز
بستن وزارتخانه‌ها نی
نه‌تنها کارمندان دولت
توده‌های محروم و زح
ایران خواهان ت
حقوق‌ها هستند . کاره
دولت سالهاست تحت
شدید تورم قرار داشته
هر روز به روشنی می‌بین
سهم بیشتری از درآمدش
طریق افزایش‌قیمت‌ها
سرمایه‌داران منتقل می
تورم روزافزون کنونی
برای کاستن از حقو
"مزایا"ی توده کارمن
دولت باقی نگذاشته
آنچه را که شما خوا
هستید . مدت
سرمایه‌داران در حال
ذادنش هستند . این
جویان هر روز قیمت
بالاتر می‌برند و از قـ
خرید مزد و حقوق کار
دولت و نیز کارگران و
زحمتکشان میهن ما می
و شما بدون آنکه
مبارک خود
می‌خواهید جبان
بودجه را بر سر کار
محروم بکوبید .

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گزارشی از سفر هیئت نمایندگی اتحادیه‌ها و شوراهای روستائی ترکمن صحـــرا به تهران

● *نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراهای روستائی نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن ، چه زابلی و غیره در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و متحدان آن ، که سرمایه‌داران و زمینداران هستند ، باهم متحد و یکپارچه‌اند .*

هیاتی از نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراهای روستایی ترکمن صحرا جهت ملاقات با مسئولین دولتی و مطرح کردن مسائل منطقه در فصل درو و پیشگیری از توطئه‌های زمینداران بزرگ و فئودال‌ها برای خرابکاری در امر برداشت محصول شوراها ، روز ۳۱ اردیبهشت ۵۹ به تهران آمدند .

نمایندگان اتحادیه‌های مناطق مختلف ترکمن صحرا (کلاله، گنبد، آق قلا ، بندر ترکمن) که تعداد آنها به ۳۵ نفر می‌رسید با طوماری که هزاران نفر از زحمتکشان روستاهای منطقه آن را امضاء کرده‌بودند، ابتدا با آقای رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی ملاقات نمودند و مسائل خود را در چهار مورد زیر با ایشان در میان گذاشتند :

۱ـ اعلام حمایت دولت از شوراهای دهقانی ترکمن صحرا از طریق رادیو ـ تلویزیون ، مبنی بر اینکـه اراضی کشت شده توسط شوراها ، باید توسط خود آنها برداشت شود .

۲ـ ابقاء هیئت ۵ نفری حل مساله ارضي که حدود ۷ ماه پیش به منطقه اعزام شده بود. طوماری که نمایندگان به همراه داشتند در تائید همین هیئت و اعتراض به هیئت ۷ نفری جدید و ترکیب آن بود .

۳ـ تداوم پرداخت وام به زحمتکشان روستا از طریق شوراها با توجه به ضرورت کشت محصولات بهاره. پرداخت این وام‌ها همزمان با بازگشت هیئت ۵ نفره به تهران قطع شده است .

۴ـ از آنجا که زمینداران بزرگ و فئودال‌ها وسایل کشاورزی از قبیل کمباین را از منطقه خارج نموده‌اند و نظر به اهمیت این وسایل برای برداشت محصول ، دولت وظیفه دارد شوراهای روستایی را از این نظر تامین نماید .

آقای رضا اصفهانی در پاسخ ابتدا کارشکنی‌ها و محدودیت‌هائی را که توسط ارگان‌ها و افراد مسئول بر سر راه انجام وظایف ایشان ایجاد می‌شود برشمرد و ضمن حمایت از خواست‌های برحق زحمتکشان ترکمن صحرا ، قول داد تا آنجا که می‌تواند در جهت پاسخگویی به مشکلات مردم منطقه اقدام کند .

نمایندگان اتحادیه‌های روستایی نیز ضمن اعـــلام پشتیبانی از هیئت ۵ نفره حل مساله ارضي و تائید اقدامات آنها از فعالیت‌های ضدانقلابي زمینداران بزرگ و حامیان آنها در ارگان‌های دولتی به منظور ایجاد نفاق و دودستگی بین اقوام ترک، زابلی، فارس و ترکمن منطقه پرده برداشتند .

نمایندگان سپس‌به شورای انقلاب رفتند، تا در آنجا هم خواست‌های خود را مطرح کنند و از مقامات شورای انقلاب بخواهند که با آنها در جهت جلوگیری از خرابکاری‌های زمینداران بزرگ همکاری نمایند، لیکن نماینده شورای انقلاب بدون آنکه توجهی به گفته‌های نمایندگان زحمتکشان ترکمن صحرا داشته باشد، بعضی افراد مترقی منطقه را مورد اهانت و افترا قرار داد و آنها را همدست عناصر ارتجاعی و ضد انقلاب نامید او به گفته یکی از نمایندگان زحمتکشان کوچکترین توجهی نمی‌کرد که می‌گفت:

"*آقا فئودال‌ها و زمینداران با همکاری مقامات دولتی جلساتی ترتیب می‌دهند و توطئه می‌کنند.*"

صبح روز بعد ۱ خرداد ۵۹ تعدادی از نمایندگان اتحادیه‌ها به دفتر رئیس جمهور رفتند و خواستار ملاقات با ایشان شدند. لیکن با بهانه‌هایی از قبیل "آقای‌رئیس جمهور خسته هستند" یا اینکه " آقای رئیس جمهور پیش امام رفته‌اند" و . . . مواجه شدند تا این که بالاخره موفق شدند که با دونفر از "دفتر استان‌ها" به‌صحبت‌بنشینند. دلایل و شواهد نمایندگان اتحادیه‌ها از عملکرد دولت، ژاندارمری و فئودال‌ها در این مذاکرات بقدری دقیق و غیرقابل انکار بود که باوجود اینکه مسئولان دولتی نظر خوبی نسبت به نمایندگان زحمتکشان ترکمن‌صحرا نشان نمی‌دادند، نتوانستند از عهده جوابگویی برآیند و در عوض با طرح سئوال‌ها و مسائل انحرافی کوشش کردند که مسائل فرعی راعمده‌کنند. آنها عاقبت با وعده اینکه گزارشی از خواست‌های نمایندگان اتحادیه‌ها را به رئیس جمهور می‌دهند، مذاکرات‌رابه‌پایان‌رساندند.

نمایندگان اتحادیه‌های دهقانی روستاهای‌ترکمن‌صحرا پس از دو روز دوندگی و تماس با مقامات مسئول مملکتی از قبیل شورای انقلاب مقامات وزارت کشاورزی و دفتر ریاســـت جمهوری و مشاهده بی‌توجهی این مقامات نسبت به خواست‌های زحمتکشان منطقه و هشدارهای آنها در رابطه‌با توطئه فئودال‌ها و غاصبین به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی این خـــود شوراهای دهقانی و اتحادیه‌های دهقانی ترکمن صحرا هستند که با تحکیم تشکل خود و تقویت اتحاد و روح همکاری و یگانگی می‌توانند و باید جلوی هرگونه توطئه و دسیسه‌چینی غاصبین، زمینداران بزرگ و ایادی آنها را بگیرند و با اتحاد عمل خود نقشه‌هـــای تفرقه‌افکنانه آنها را خنثـــی نمایند. وحدت اراده و اتحاد عمل زحمتکشان ترکمن صحرا در فعالیت‌های نمایندگان آنها در تهران که متشکل از زحمتکشان زابلی ، بلوچ، فارس و ترکمن بودند بخوبی تجلی یافت. نمایندگان اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا با وحدت خود نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن و چه زابلی در مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن کـــه سرمایه‌داران و زمینداران و مزدوران آنها هستند متحد یکدیگرند. نمایندگان اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا در مصاحبه‌های متعدد خود که با مطبوعات و رسانه‌های گروهی به عمـــل آوردند، نشان دادند که این موضوع را درک کرده و گام‌های اساسی نیز در راه ایجاد فضای وحدت و تفاهم بین زحمتکشان منطقه برداشته‌اند

★ ★

باجمع آوری کمکهای مالی سازمان را در پیشبرد جنبش انقلابی خلق حمایت کنیم

جنبش انقلابی خلق‌های قهرمان ایران تنها به حمایت و پشتیبانی مردم قهرمان استوار است.
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجرای وظایف عظیم انقلابی که برعهده وی قرار گرفته است اکنون بیش از پیش به کمکهای مالی هم‌میهنان و هواداران سازمان نیاز مبرم دارد.
با جمع‌آوری کمکهای مالی، سازمان را در پیشبرد جنبش انقلابی خلق حمایت کنید.
هنگام پرداخت پول حرف اول نام خود را همراه با عددی دلخواه که انتخاب می‌کنید به سازمان بدهید. کد و مبلغ به همراه حرف اول نام شما در نشریه "کار" چاپ خواهد شد تا شما از رسیدن کمکهایتان به سازمان مطلع شوید.

کمکهای مالی دریافت شده

قابل توجه رفقا!
با توجه به اینکه گاهی فاصله زمانی ارسال کمکمالی از جانب شما و تنظیم و چاپ "کد و مبلغ" در "کار" به دو یا سه هفته می‌کشد، در صورت چاپ نشدن "کد و مبلغ" خود بعد از سه هفته در این مورد تذکر دهید.

حرف	کد و مبلغ
الف	۱۶۲۲۲، ۱۵۰۰، ۵۱۲۳، ۱۰۶۲۵، ۱۰۵۱۶، ۱۵۱۱۹، ۵۰۲۵، ۱۵۸۵، ۳۵۴، ۱۰۶۲۳، ۵۰۰۵۸، ۲۰۹۷، ۵۳۰۷، ۲۶۰۰، ۵۱۰۰، ۳۰۰۳، ۵۵۵۵، ۵۰۲۲، ۱۰۳۳۳، ۱۷۷۳۶، ۳۳۲۰، ۸۷۳۶، ۵۸۵۰، ۱۰۰۰ـو، ۳۲۵۰۱، ۱۶۲۴، ۵۰۱۲، ۲۵۶۵، ۱۷۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۶۶، ۱۶۳، ۲۶۶۶، ۵۵۵۵، ۲۶۴۳
ب	۵۲۳۰، ۱۵۰۰۹، ۳۰۰۵، ۳۰۰۵، ۱۳۰۰۹، ۱۲۹۶۶، ۲۰۱۰۰ـق، ۴۱۰۰، ۵۰۳۰۱، ۲۰۳۸۵، ۱۳۰۰۹، ۱۲۹۶۶، ۲۰۱۰۰ـق، ۳۰۱۸، ۱۴۶۷ـک، ۲۱۳۹، ۱۱۱۱۱، ۱۰۴۵۶، ۲۴۰۰، ۲۴۲۴، ۵۰۲۲۰، ۷۵۰۰۱، ۱۰۰۰۱
پ	۱۰۲۵۰، ۳۵۵۵، ۱۵۸۸۸، ۸۶۱۹، ۲۲۵۲، ۲۱۹۰، ۱۰۰۶۷، ۴۱۰۰، ۹۲۲۵ـب، ۵۵۰۰، ۵۱۲۰
ت	۵۰۰۴، ۲۸۶۰۰ـع‌ـب، ۲۵۱۵، ۲۲۰۰، ۵۱۵۰، ۸۰۰
ث	۱۰۳۳۳، ۱۰۰۱۰۱، ۲۲۹۸، ۳۳۱۱
ج	۵۱۳۹، ۵۱۱۹، ۳۰۱۴۲، ۲۵۱۱۱، ۱۵۸۲۸، ۲۲۹۵، ۲۰۱۰۰، ۵۰۰۱۵، ۲۷۹۰، ۱۷۰۰، ۵۷۹۰، ۴۱۰۰، ۳۳۲۲، ۱۰۰۷، ۱۰۱۱۱ـم، ۱۰۱۰۱
چ	۱۲۳۴، ۲۸۰۰۲
ح	۲۰۲۲۸، ۵۱۱۱، ۵۴۳۲، ۴۰۱۱، ۲۰۰۱۶، ۲۱۷۸، ۱۳۱۴، ۵۰۲۰۹، ۳۱۳۲، ۵۱۱۲، ۵۰۰۰۱، ۲۰۰۰۱، ۵۵۰، ۱۰۰۳، ۵۰۲۰، ۳۰۱۲۳، ۵۵۵ـم، ۵۲۵۶
خ	۲۰۰۰، ۵۴۳۳، ۲۰۲۲۲، ۱۰۰۰۳، ۲۰۰۰، ۲۰۳۵۳، ۳۲۲۳
د	۶۰۱۱، ۵۰۶۰، ۳۲۰۶، ۲۶۵۰، ۲۰۲۸۱ـم، ۲۵۷۱، ۲۰۱۱۷
د	۱۰۷۶۵، ۱۳۲۴، ۵۰۹، ۷۳۳۳، ۵۰۱۲، ۵۸۳۸، ۴۴۵
ذ	۲۸
ر	۴۰۰۲۶، ۵۵۱۹، ۵۵۵۵، ۲۶۵۳، ۱۵۱۵۰، ۱۷۴۷۶، ۲۲۲۲، ۵۵۵۵، ۱۵۲۲۴، ۱۶۷۷، ۱۰۱۶، ۵۳۶
ز	۵۱۱۵، ۲۵۵۵، ۴۳۶۴۲، ۵۰۰۸۸، ۵۲۲۰، ۲۰۳۲۳، ۸۱۳، ۲۱۱۲، ۲۰۰۴۱
ز	۳۳۱۹، ۵۳۳۳، ۲۵۰۱۷
ژ	۱۲۲۸۰، ۱۰۳۲۰
س	۲۸۳۳۳، ۱۰۲۳۰، ۳۱۱۹، ۲۱۱۹۰، ۱۰۰۰۱، ۸۲۸۲، ۲۰۱۹ـن، ۱۰۶۱۹، ۵۰۰۱، ۳۱۶۶، ۹۳۳۳، ۸۰۰، ۱۰۵۱۹، ۱۰۰۲۸، ۲۲۲، ۱۱۱م‌ـالف
ش	۵۳۳۳، ۱۸۶۲۰۱، ۵۰۵۵۷، ۵۰۵۵۶، ۵۰۵۵۸، ۳۳۱۲، ۷۰۷، ۱۱۷۱
ش	۲۸۰۰۱۲، ۷۱۱۱، ۳۵۵۵، ۶۶۲۵، ۴۶۸، ۵۰۵۵۵، ۵۰۵۵۴، ۳۷۰۴، ۵۰۵۵۹، ۱۰۱۷۱، ۶۶۱۰، ۵۴۰۵، ۲۱۰۲، ۲۰۰۲۳، ۱۰۲۲۳، ۵۲۵۱
ص	۹۳۷، ۵۶۳۶، ۲۱۳۵، ۵۹۰۷، ۳۱۵۰
ط	۳۰۰۳، ۲۱۷۰، ۳۱۱۱۹، ۴۰۴، ۶۸۳۳، ۱۳۰۱۴، ۴۰۰
ظ	۱۱۱۳
ظ	۷۳۰۳
ع	۵۳۰۰، ۲۶۱۱، ۱۱۰۷۶، ۵۱۱۷، ۲۰۰۶۹، ۱۰۰۰۹، ۲۰۵، ۳۱۰، ۳۵۰۰، ۶۶۶۱۴، ۲۰۳۰۳، ۳۲۱، ۵۱۲۴، ۱۱۱۱، ۶۰۳، ۹۶۹۸۰، ۱۸۹۲، ۲۱۲
غ	۱۶۰۰، ۸۵۵۵، ۱۰۰۰
ف	۵۵۰۰، ۵۵۰۰، ۲۲۲۲، ۴۳۱۱۲، ۸۰۸۹، ۸۱۲، ۵۱۲۵
ف	۲۵۰۰، ۹۵۳۷، ۳۱۳۲۵، ۲۵۰۵، ۵۰۰۰، ۵۰۱۹۵، ۱۶۱۱ـم، ۲۰۳۰، ۱۰۱۵۴، ۳۰۲۳، ۶۶۶، ۲۳۵۱، ۳۱۱۱، ۴۹۹۹۹، ۱۰۱۱۱، ۲۹۱۷، ۱۰۰۴
ق	۱۰۱۲، ۱۰۱۲، ۱۰۹۳، ۲۰۰۵۱، ۲۰۱۲۱، ۳۵۴۸
ک	۵۷۳۵، ۵۷۳۵، ۲۳۲۵، ۲۰۰۶، ۸۰۰۳، ۶۳۳۳، ۵۵۲۰
ک	۲۰۰۲، ۱۳۷۲۴، ۲۰۰۲، ۵۰۱۱، ۱۹۱۵۰، ۸۳۴۴
گ	۱۵۵۱۶، ۱۵۰۰۲۸، ۱۵۳۱۶، ۵۱۱۱، ۱۰۲۱۳
ل	۶۰۲، ۶۳۱۳، ۱۰۲۰۲، ۵۰۱۸، ۳۵۵۰۰، ۱۵۱۳۰
م	۵۴۲۵، ۱۰۱۰۱، ۲۲۶۴، ۱۰۶۴، ۵۲۲۳، ۲۰۱۲۹، ۲۱۴
م	۱۵۰۳، ۱۰۳۱۵، ۱۱۱۵، ۵۳۲۹، ۱۰۲۲۴، ۱۰۱۱۱، ۲۳۱۷، ۱۰۵۰، ۲۶۰۱، ۳۰۱۰۰، ۵۰۰۵، ۵۰۳۹۱، ۵۰۵، ۲۰۰۲، ۲۱۱۳۷، ۳۳۸۱، ۲۵۲۵۵، ۱۱۰۰۰۱، ۱۹۰۱۱۱ـم، ۱۰۰۱۰، ۲۰۳۱۶، ۲۲۲۰، ۲۵۲۹، ۱۰۱۳۹، ۳۰۱۰، ۲۲۵۰، ۲۲۲۲، ۵۳۲۵، ۵۱۱۱، ۴۴۴۴، ۵۰۱۰۰، ۲۴۶۸، ۵۰۵۰، ۱۰۵۰۰
م	۴۸۳۸، ۴۱۲۳، ۱۰۸۸۸، ۸۷۸۳، ۵۰۲۲۵، ۲۲۲۲، ۱۲۲۵۸، ۱۰۰۳، ۵۱۳۵، ۲۶۰۰، ۲۰۶۲، ۵۰۵۵۵، ۵۹۹۹، ۷۰۲۵، ۶۱۲۲، ۷۰۱۳۰، ۵۰۱۲۲، ۲۶۶۶، ۵۷۵، ۵۱۴۰، ۲۰۹۰۵، ۵۱۱۱، ۵۱۳۱
ن	۷۵۷، ۵۲۰۴، ۸۲۰۴، ۳۰۹۲۸، ۵۸۹۰، ۱۳۵۳۱۸، ۱۵۱۸، ۳۶۱۳
ن	۱۴۶۲ا‌ـم، ۵۱۲۷، ۳۳۵۵، ۴۱۱۱، ۵۱۱۱، ۴۰۱۱
و	۵۲۵۰، ۱۰۱۲۹
ه	۵۸۰۳، ۵۲۰۵، ۳۳۰۷، ۱۵۱۵، ۱۳۲۲۴، ۱۰۵۶، ۲۸۴۳، ۳۲۰۰، ۵۲۸۵، ۲۵۱۴۲
ی	۴۱۹۵، ۸۴۴
بدون نام	۱۵۱۳۰، ۵۱۳۱، ۵۵۰۰۰، ۱۰۰۰۰، ۶۰۰۰، ۱۲۵۰۰، ۶۰۰۰، ۴۰۰۰، ۱۱۵۶۹۰، ۱۴۰۰۰، ۱۰۰۰۰، ۱۱۳۲۳، ۱۰۹۱۷، ۱۳۷۷، ۳۱۰۰، ۲۶۶۶۰، ۲۰۱۴

گروه ش ۲۹۳
هدیه شما رسید

پ سه ساله ۰۰

نارضائی سربازان و ...

بقیه از صفحه ۱۲

سنندج

دوشنبه ۵ خرداد

پیشمرگه شجاع‌فدائی رفیق "اقبال اصلانی" با خون‌خود پرچم سرخ رهائی زحمتکشان را خونین‌تر نمود. فدائی شهید رفیق "اقبال" همانند یک فدائی واقعی کمونیست‌وار زندگی کرد، دلیرانه جنگید و صادقانه جان داد. رفیق "اقبال" همراه رفقای دیگرش "جمیل بخجالی" و "صدیق زارعی" جزء رفقایی بودند که از دبیرستان نظام صنعتی "مسجد سلیمان" به سازمان ما ملحق شده بودند. هر سه رفیق راه زحمتکشان را تا پای جان پیش گرفتند.

جنازه رفیق با شرکت اهالی شهر و همراهی پیشمرگان طی مراسمی به خاک سپرده شد.

در این مراسم یکی از روستائیان و یکی از پیشمرگان سازمان درباره جنبش مقاومت سخنرانی کردند.

آویهنک

دوشنبه۵ خرداد

مردم آگاه و قهرمان پرور روستای ویهنیگ جنازه رفیق فدائی "توفیق رجب پور" را طی مراسم خاصی به خاک سپردند. رفیق فدائی "توفیق رجب پور" در نبردی با نیروهای ارتش در جبهه حسن آباد به شهادت رسید. نیروهای ارتش با پرتاب خمپاره اقدام به پیشروی نموده و قصد داشتند مسیر پشت فرودگاه را تصرف‌کنند. در سه روز گذشته پیشمرگه‌ها گام به‌گام در مقابل تهاجم آنها دلیرانه پایداری کرده و این درگیری هنوزادامه‌دارد.

در مراسم تشیع جنازه رفیق یکی از ریش‌سفیدان روستا سخنرانی کرد و سپس یکی از پیشمرگه‌های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با گذشته مبارزاتی رفیق و وضعیت فعلی کردستان سخنرانی کرد.

بانه

سه شنبه ۶ خرداد

به دنبال درگیری میان پیشمرگان جنبش مقاومت با یک ستون زرهی در گردنه "خان" که منجر به نابودی کامل ستون مزبور گردید، بقایای نیروی اعزامی از قزوین با حمایت فانتوم‌ها و هلی‌کوپترها که تمام مسیر را زیر آتش سلاح‌های سنگین و راکت گرفته بودند پیشروی نموده و خود را به شهر می‌رساند و در پمپ بنزین و فرودگاه تازه و مسیر جاده سردشت و جاده مریوان مستقر می‌شوند.

تمام مردم شهر بانه را تخلیه کرده و به روستاها رفتند. هلی‌کوپترها هر روز روستاهای اطراف را با سلاح‌های سنگین مورد حمله قرار می‌دهند که در روزهای اخیر عده‌ای از مردم درنتیجه این حملات وحشیانه به شهادت رسیده‌اند. ارتش طی روزهای گذشته برای رسیدن به بانه تلفات بسیار سنگینی متحمل گردید و دهها نفر از افراد آن کشته و بیش از صدنفر به اسارت درآمدند و تعداد زیادی از تانکها و خودروها و مهمات آن به دست نیروهای جنبش مقاومت افتاد.

شهر خالی از سکنه بانه به دست ارتش افتاد. مردم نمی‌توانند حضور سرکوبگران و قاتلین فرزندان خود را در شهر تحمل نمایند

سقز

شنبه ۱۰ خرداد

ارتش مانع بازگشت مردم آواره سقز به خانه و کاشانه‌شان می‌باشد. به دنبال حمله غافلگیرانه ارتش به سقز ومحاصره و گلوله‌باران بیش‌از یک ماه شهر عده زیادی از مردم بی دفاع که خانه و کاشانه‌شان بر سرشان خراب شده بود و یا افرادی از خانواده خود رااز دست داده بودند، آواره شهرها و روستاهای اطراف شدند که دهها هزار نفر از این عده (طبق آمار ستاد امداد بوکان بیش از ۳۰ هزار نفر) به شهر بوکان پناه‌آوردند و از طرف‌مردم در اردوگاهها، مدارس و منازل اسکان داده شدند. مردم سقز پس از تحمل بیش‌از یک ماه آوارگی و کمبودهای فراوان از قبیل نبودن مواد غذائی، درمان، وسایل سوخت پوشاک، چادر، پتو و .. به دلیل محاصره اقتصادی کردستان و بدنبال آرا[م] شدن نسبی شهر سقز [و] میتینگی در بوکان با حضو[ر] هزاران نفر و نمایندگا[ن] نیروهای سیاسی عضو هیئت نمایندگی خلق کرد تصمی[م] به برگشتن به خانه‌ها[ی] ویران خود می‌گیرند. اولین دسته‌ای که روز بعد از [...] خرداد وارد سقز می‌شوند مورد حمله ارتش قرار گرفت[ه] افرادی از آنان که اکثر زنان و دختران جوان هستند اسیر می‌شوند و شب نیز مناطق مختلف سقز ا[ز] اطراف پادگان زیر آتش توپ و خمپاره و سایر سلاح‌های سنگین قرار می‌گیرد، که عده‌ای کشته و زخمی [و] خانه‌های زیادی ویران می‌شود. آوارگان‌که به سقز برگشته‌اند، دوباره مجبو[ر] به ترک شهر می‌شوند [و] بازهم بر تعداد آوارگان افزوده می‌شود.

• • •

یازدهمین کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

● "حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه مبارزات گذشته ما محصولی است که شورائی کشت گردیده و می‌باید که شورائی هم برداشت شود."

"محصول شوراهای ترکمن صحرا، در صورتی که بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و حامیان آنها صورت بگیرد قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد."

یازدهمین گردهمایی شوراهای روستایی ترکمن صحرا، نخستین بار پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه، روز سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۵۹ در روستای "آق دگیش" برگزار گردید.

در این گردهمایی که مصادف بود با یکصدمین روز شهادت ۳ تن از اعضای شوراهای روستایی "آق دگیش" و "کولی بایندر" – "کاکا بزمونه"، "امان دردی توماجی‌پور" و "محمدسرشار" مسئله برداشت محصول مورد بررسی قرار گرفت و چند تن از اعضای اتحادیه سراسری رهنمودهای اتحادیه را پیرامون چگونگی برداشت محصول و حفظ و حراست از آن به روستائیان یادآور شدند.

یکی از اعضای اتحادیه سراسری ضمن سخنان خود گفت:

"حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه و مبارزات گذشته ما محصولی است که شورایی کشت گردیده و می‌باید که شورایی هم برداشت شود. زمینداران بزرگ همانطوری که همواره نشان داده‌اند به هیچوجه دست از توطئه برنخواهند داشت و به‌عناوین مختلف می‌خواهند محیط را متشنج کنند و دسترنج ما را ازبین ببرند. همه شوراهای روستایی باید با هوشیاری تمام به حفاظت از محصول بپردازند. نگهبانی دهند و این محصول را که در واقع متعلق به همه مردم ایران است، در شرایط حساسی که آمریکای جنایتکار توطئه‌های رنگارنگی تدارک دیده است حفظ و حراست نمایند و جلوی هرگونه اجحاف و فشار به زحمتکشان را بگیرند. محصول غلد ترکمن‌صحرا در صورتی که با هوشیاری شوراها و اتحادیه سراسری بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودالها و حامیانشان صورت بگیرد، قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد. باید به این مسئولیت خطیر توجه داشته باشیم و توطئه زمینداران و عوامل امپریالیسم را در هر لباس و مقامی خنثی کنیم."

آنگاه یکی دیگر از اعضای اتحادیه سراسری ضمن تاکید بر ضرورت همکاری هرچه بیشتر مردم با شوراها و اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا در هنگام برداشت محصول، از همه جوانان روستا، محصلین و معلمین خواست تا مثل همیشه درکنار زحمتکشان و همراه با آنان با توطئه‌ها و جنگ‌افروزی‌های زمینداران بزرگ و خرابکاری آنها در امر برداشت محصول مقابله نمایند. وی سپس ضمن محکوم نمودن سرکوب و کشتار خلق کرد اظهار داشت که در این شرایط امپریالیسم امریکا به انواع حیله‌ها متوسل می‌گردد تا مبارزات انقلابی مردم ایران را سرکوب نماید. فرماندهان مزدور ارتش‌نیز برای حفظ منافع اربابان خود به کمک سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم سعی می‌کنند با جنگ‌افروزی مردم میهن ما را در مقابل یکدیگر قرار دهند. او اعلام کرد که:

"خلق قهرمان کرد در واقع مصائب این سیاست را به دوش می‌کشد و تنها بخاطر خواست‌های بحق و عادلانه‌اش اینچنین با توپ و خمپاره بسته می‌شود. برای زحمتکشان ترکمن صحرا کاملا روشن است که اینگونه جنگهای تحمیلی در جهت منافع چه کسانی است و آنانکه از تشکل و اتحاد مردم می‌ترسند چه کسانی هستند."

در خاتمه پیام گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا به خلق قهرمان کرد قرائت گردید. یکی از اعضای خانواده شهدا ضمن اشاره به سابقه مبارزاتی آنان، در مورد علل جنگ‌های تحمیلی فروردین و بهمن ماه ترکمن صحرا سخنانی ایراد نمود.

گردهمایی که از ساعت ۱۰ صبح آغاز گردیده بود ساعت ۱۲/۵ پایان یافت و کلیه شرکت‌کنندگان برای تجلیل از اعضای شهید شورای روستایی "آق دگیش" دسته‌جمعی به خانه‌های آنان رفتند.

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

چایکاران زحمتکش شمال با تمام تلاش خود درپی بهبود تولیدند، لیکن عدم توجه دولت به خواسته‌ها و نیازهای مردم عملا سد راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است

امروز ۱۵ ماه پس از قیام، گرانی، کمبود کالاها، بیکاری و ... هر روز بیش از پیش زحمتکشان میهن ما را زیر فشار خردکننده خود قرار می‌دهد. در این میان امپریالیسم امریکا این دشمن اصلی همه زحمتکشان جهان فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر مردم ما هر دم می‌افزاید تا شاید با سوءاستفاده از نارضایتی‌های موجود بتواند حکومت دست نشانده خود را بر رأس قدرت بنشاند. لیکن مردم مبارز ایران، اگرچه هر روز بار مشکلات روزافزون اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود را بر دوش خود احساس می‌کنند اما ماهیت ضدخلقی سیاستهای امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن را به تجربه درمی‌یابند و هرچه بیشتر می‌فهمند که تنها راه نجات، اتکاء بر نیرو و توان مبارزاتی خود در حل مشکلاتشان و مبارزه هر چه بی‌امان‌تر با امپریالیسم، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ است. آنها علیرغم ناتوانی دولت در برخورد با مشکلات متعدد زحمتکشان، علیرغم بی‌برنامگی سازمانها و مقامات دولتی و علیرغم مشکلات متعددی که بر سر راه حل مشکلات فوق توسط خود مردم ایجاد می‌کنند، با تلاش و کوشش شبانه‌روزی‌شان امر تولید را پیش می‌برند. پیروزی دهقانان ترکمن‌صحرا در امر افزایش تولید تنها یک نمونه از قدرت شگفت‌انگیز زحمتکشانی ست که از طریق شوراهای واقعی‌شان سرنوشت کاشت و داشت و برداشت را خود برعهده دارند. زحمتکشان ترکمن صحرا طی سال گذشته علیرغم کشتار و سرکوبی که به آنها تحمیل شده است، موفق شده‌اند محصولات خود در برخی مناطق حتی تا حدود ۴ برابر افزایش دهند.

نامه زیر که از طرف عده‌ای از چایکاران شمال به دست ما رسیده است، نمونه دیگری است از اینکه چگونه زحمتکشان با تمام تلاش خود در پی بهبود تولیدند، لیکن ندانم کاری بی‌برنامگی و عدم توجه دولت به خواسته‌ها و نیازهای مردم عملا سد راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است.

تنها راه قطع معامله با امپریالیسم و مقاومت در برابر فشارهای آن تکیه بر نیروی مردم و تشکل آنها در شوراها و سپردن امور بدست خودشان است. در پیش گرفتن سیاست تعطیل شوراهای مردمی، سرکوب مبارزات حق‌طلبانه کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان ایران به بهانه برقراری امنیت و افزایش تولید، هراس از کوتاه کردن دست سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، از طرف هر مقام و سازمانی که صورت بگیرد، چه بخواهد و چه نخواهد بهترین زمینه را برای اعمال فشار امپریالیسم فراهم می‌آورد. این نکته را در نامه چایکاران شمال بخوبی می‌توان دید:

سردبیر روزنامه کار

ما عده‌ای از کشاورزان چایکار شمال در عصری که دولت (حامی مستضعفان) خود را حامی کارگران و کشاورزان می‌داند و هر ساعت شعار می‌دهد که کارگر کشاورز با کوشش تولید را اضافه کنید تا ما از وابستگی اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم نجات یابیم، متاسفانه عکس آن شعار را می‌بینیم. ما با تلاش شبانه روزی خود و فرزندانمان و کارگران زحمتکش تولیدات چای را نسبت به سال گذشته اضافه نموده‌ایم و در عصری که خرید چای انحصارا در دست دولت (حامی مستضعفین) است در این هفته از تاریخ ۲/۱۸ الی ۲/۲۴ فقط یک روز محصول چای از کشاورزان خریداری نموده‌است. دولت با این عمل خود ضررهای جبران ناپذیری به کارگران و کشاورزان تحمیل نموده است و مطلع هستید که با ظرافتی که برگ سبز چای دارد باید برگ سبز چیده شده غیرتحویلی را بدور ریخت و ما کشاورزان را از نظر مادی و معنوی وابسته‌تر به کشورهای امپریالیستی می‌نماید. لهذا ما از روزنامه طبقه کارگران و کشاورزان می‌خواهیم که صدای رسای ما را به گوش هم میهنان عزیزمان برسانند.

عده‌ای از چایکاران شمال

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران به خلقهای قهرمان ایران و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست

بیش از دو ماه است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان برافروخته‌اند. این جنگ تاکنون به قیمت شهادت و مجروح شدن هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان بیگناه کرد تمام شده است و هر روز ابعاد فاجعه‌آمیزتری به خود می‌گیرد. بدون تردید تشدید مخاصمات موجود در کردستان در موقعیتی که مردم ما درگیر یک مبارزه تاریخی و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا می‌باشند و در موقعیتی که بیش از هرزمان دیگر وحدت نیروهای ضد امپریالیست یک ضرورت بنیادی است به مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک مردم میهن ما لطمات جدی وارد خواهد ساخت. امپریالیسم امریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر برآن شده‌اند به هر قیمتی که شده مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم را به مبارزات میان‌صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی وحدت خلق‌ها و زحمتکشان ایران را خدشه‌دار سازند. هم اکنون در برخی مناطق کردستان دستجات مسلح وابسته به رژیم بعث عراق و پس‌مانده‌های رژیم سرنگون شده سلطنتی به مثابه کارگزاران و عوامل امپریالیسم جنایتکار امریکا می‌کوشند آتش جنگ برادرکشی را همچنان شعله‌ور نگاهدارند از جانب دیگر محافل جنگ‌افروز در حاکمیت نیز با نادیده گرفتن حقوق عادلانه و طبیعی خلق‌کرد و با سیاست‌های جنگ‌طلبانه خود زمینه لازم را جهت گسترش میدان عمل نیروهای وابسته به امپریالیسم در منطقه را فراهم می‌آورند. اعزام نیروی ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب، محاصره اقتصادی یعنی بستن راه ورود هرگونه مایحتاج عمومی و تبلیغات مسموم کننده علیه نیروهای سیاسی مسئول در کردستان، نتیجه‌ای جز تشدید درگیری‌ها و نابود ساختن فضای تفاهم آمیز جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان نخواهد بود. تمام آن نیروها و عناصری که به سرکوب خواسته‌های عادلانه خلق کرد می‌اندیشند یک بار برای همیشه باید بدانند که برای مسئله کردستان راه‌حل نظامی وجود ندارد و هر کوششی در این زمینه همانند تهاجم گذشته با شکست روبرو خواهد گردید و عواقب آن متوجه همان کسانی است که نمی‌خواهند خواسته‌های عادلانه خلق کرد را مورد تائید قرار دهند. چنین اوضاعی بدون تردید نگرانی عمیق همه نیروهای انقلابی و همه آنهایی را که به پیروزی نهایی مردم ما در مبارزه ضد امپریالیستی می‌اندیشند برمی‌انگیزد بدین لحاظ ما ضمن دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد از تمام کوشش‌هایی که متضمن برقراری صلح در کردستان باشد قاطعانه حمایت می‌کنیم و با تمام نیرو جهت تحقق آنها تلاش می‌نماییم اما با کمال تاسف مشاهده می‌شود تمام کوشش‌هایی که از جانب نیروهای مسئول منطقه جهت برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات به عمل آمده بواسطه عملکرد نیروهای جنگ‌افروز و تمام آنهایی که موجودیت خود را در گرو مخاصمات موجود می‌دانند با شکست مواجه گردیده است و دولت همچنان به سیاست لشگر کشی خود به کردستان ادامه می‌دهد و در روزهای گذشته علیرغم اینکه رئیس جمهور بنی‌صدر در چند مورد اعلام نمود خواست‌های خلق کرد مورد تائید قرار گرفته است و هیئتی جهت آغاز مذاکره به کردستان خواهند رفت، اما رئیس جمهور حاضر به اعلام رسمی پذیرش آنچه از جانب خود وی طرح شده بود نگردید. هیچ هیئتی نیز برای مذاکره به منطقه نیامد و رئیس جمهور عملا تسلیم سیاست نیروهایی گردید که قصد دارند به هر قیمت مسئله کردستان را از راه تشدید جنگ تحمیلی حل نمایند. حزب دمکرات کردستان‌ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خاطر تحکیم صفوف نیروهای ضد امپریالیست میهن‌مان و جلوگیری از جنگ برادرکشی در کردستان یک بار دیگر از رئیس جمهور بنی‌صدر می‌خواهد که نظرات اصلاحی دولت را نسبت به شش اصل خود مختاری پیشنهادی از جانب حزب دمکرات رسما اعلام نماید.

پذیرش رسمی این خواست‌ها همراه با اعلام آتش بس و برداشتن محاصره اقتصادی کردستان فضای لازم جهت گفت و شنود و حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان را باز خواهد نمود. ما بار دیگر جدا و قاطعانه از مقامات مسئول و همه آنهایی که نگران سرنوشت مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک مردم میهنمان هستند می‌خواهیم از تلاش نیروهای مسئول در کردستان بخاطر برقراری صلحی عادلانه مجدانه حمایت به عمل آورند. خلق کرد و نیروهای سیاسی مسئول آن به استناد تمام شواهد عینی هیچگاه جنگ طلب نبودند و امروز نیز از هر اقدامی که متضمن برقراری صلح در کردستان باشد با تمام توان خود حمایت می‌کنند. ما مردم مبارز میهنمان را به داوری و کمک می‌طلبیم و از آنها می‌خواهیم با محکوم نمودن عناصر و عوامل جنگ‌افروز، از کوشش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در برقراری صلح در کردستان حمایت کنند، باشد که با تحقق بخشیدن به اتحاد و برادری همه خلق‌های ایران سلطه امپریالیسم جنایتکار امریکا را از حیات اجتماعی میهنمان براندازیم و با تامین حقوق زحمتکشان و خلق‌های ستمدیده، ایرانی آزاد و دمکراتیک را بنا نهیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
حزب دمکرات کردستان ایران
۷ خرداد ماه ۱۳۵۹

اخبار کردستان

نارضائی سربازان و درجه داران ارتش از جنگ کردستان پیوسته افزایش می یابد

سردشت شنبه ۳ خرداد

از چند روز قبل به دنبال سقوط پایگاه ربط و پاسگاه گلته پرسنل مستقر در پایگاه ملاشیخ اعتصاب غذا کرده و غذای ارسالی پادگان را نمی‌پذیرند. این افراد به دستگیری ۲۷ نفر از پرسنل این پایگاه که ۱۲ تن از آنها در پادگان سردشت و ۱۵ نفر دیگرشان در پادگان کرمانشاه زندانی هستند معترض می‌باشند. برطبق اخبار رسیده اختلافات شدیدی در میان پرسنل پادگان سردشت نیز بروز کرده است که بیشتر ناشی از نارضایتی این پرسنل از درگیری‌های اخیر کردستان و عدم تعویض بموقع نیروهای داخل پادگان است.

بانه دوشنبه ۵ خرداد

در اولین ساعات شب ۴ خرداد ۵۹ درگیری میان ستون عظیمی که به پشتیبانی چندین تانک و زرهپوش و در زیر پوشش هلی‌کوپترهای ارتش قصد محاصره شهر بانه را داشت با پیشمرگان در محل (گردنه خان) آغاز شد.

این درگیری به مدت ۸ ساعت ادامه داشت و در پایان از آن ستون عظیم نظامی جز تعدادی کشته و زخمی و ۵ فروند تانک منهدم شده و تعداد کثیری اسیر چیزی به جای نمانده بود. درگیری هنگامی آغاز شد که هلی‌کوپترهای نیروی هوایی لحظه‌ای از بالای ستون دور نمی‌شدند و مرتبا مواضع پیشمرگان را گلوله باران می‌کردند.

در این درگیری ۵ فروند تانک منهدم شد و ۹ فروند دیگر نیز به دست پیشمرگان افتاد. علاوه بر این ۵۸۰ نفر از بقایای ستون از جمله فرمانده آن دستگیر شدند.

در این درگیری ۴ پیشمرگ شهید و دوتن دیگر زخمی شدند.

پیشمرگان کلیه مهمات ستون را مصادره و مواد غذایی همراه آن را میان مردم بانه که حدود یک ماه در محاصره شدید اقتصادی به سر می‌برند تقسیم کردند.





بقیه در صفحه ۱۰

یاد شهدای پانزده خرداد گرامی باد

پانزدهم خرداد سالگرد قیام خونین خرداد ۴۲، یادآور روزی خونین در تاریخ مبارزات حماسه آفرین خلقهای دلاور میهن ماست. در خرداد خونین ۴۲ توده‌های خلق ما در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح دولت ضدخلقی شاه دست به مقاومتی تا پای جان زدند و حماسه‌ها آفریدند.

حرکت مبارزه جویانه مردم ما، ماهیت اصلاحات امپریالیستی را که با هدف تشدید غارت و استثمار خلقهای میهن ما طراحی شده‌بود، برملا ساخت و نشان داد که رفرمهای شاهانه نمی‌تواند مردم ما را از مبارزه برای سرنگون ساختن رژیم شاه و سلطه امپریالیسم بازدارد.

قیام پانزده‌خرداد با مضمونی ضدامپریالیستی شکل گرفت. توده‌های شهری در تهران وسپس شهرستانها به خیابان ریختند و با تظاهرات و مقاومت خود، کینه و نفرت عمیق خود را به امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌اش فریاد کشیدند. شاه‌دستور سرکوب مبارزات را صادر کرد. فرماندهان مزدور مردم بی‌سلاح را در خیابانها به گلوله بستند و هزاران تن از مردم زحمتکش میهن ما را به شهادت رساندند. پرسنل انقلابی ارتش اسلحه‌های خود را علیه فرماندهان مزدور نشانه رفتند و به صفوف مردم پیوستند. ارتش سرانجام با کشتار هزاران نفر در تهران وشهرستانها قیام را فرو نشاند.

قیام پانزده‌خرداد اگر چه سرکوب شد، اما توانست درسهای گرانبهائی برای مردم به‌بار آورد. نیروهای انقلابی خلق پس از پانزده خرداد مبارزات خود را با تشکل‌های نوینی گسترش بخشیده و حرکتهای نوینی را سازمان دادند.

بذری که در ۱۵ خرداد پاشیده شد، با خیزش توده‌های خلق درسال ۵۶ رژیم شاه را به گور سپرد و شاهنشاهی دوهزار و پانصدساله را سرنگون ساخت.

ما با تجلیل از خاطره شهدای دلاور ۱۵ خرداد و تمامی شهدای راه استقلال و آزادی ایران یکبار دیگر پیمان می‌بندیم که برای تحقق آرمان شهدای خلق، همه توان خود را علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن همه زحمتکشان جهان و متحدان داخلی آن به کار گیریم و در راه پیروزی خلق کبیرمان از نثار خون خود دریغ نکنیم.

یاد شهدای پانزده خرداد و تمامی شهدای خلق
گرامی باد

کارگران چاپخانه یادگاران در برابر توطئه انحلال شورا و اخراج شش تن از کارگران مقاومت می‌کنند

کارگران چاپخانه یادگاران پس از تعطیل روزنامه آیندگان و مدتی بلاتکلیفی و سرگردانی، **سرانجام** پس از آنکه این **چاپخانه** تحت کنترل بنیاد مستضعفین درآمد به سر کار خود بازگشتند. کارگران برای دفاع از منافع و خواست‌های خود شورائی تشکیل دادند که این شورا به گواهی عموم کارگران از آغاز تشکیلش تاکنون در جهت تامین منافع و خواست‌های کارگران پیگیرانه تلاش نموده و گام‌های موثری برداشته‌است. این چاپخانه به واسطه تیراژ محدود روزنامه صبح آزادگان در آمد نازلی داشت و مدیریت چاپخانه همواره می‌کوشید تا بخاطر درآمد محدود آن فشار ناشی از هزینه چاپ را بر حقوق و مزایای کارگران سرشکن کند و کارگران را بیش از پیش در مضیقه قرار دهد. ولی هر بار شورا، در دفاع فعالانه از منافع واقعی کارگران، مانع از اقدامات ضد کارگری و اجحافات مدیریت چاپخانه می شده است و در مقابل انواع بهانه‌ها و اشکالتراشی‌های او با پیشنهادات عملی و سازنده‌اش راه را برای سنگ‌اندازی‌ها و اخلال مدیریت برعلیه کارگران و شورا می‌بست. بعنوان مثال، شورا در برابر این مسئله که چاپخانه بخاطر تیراژ محدود صبح آزادگان ضرر می‌دهد به مدیریت پیشنهاد کرد که چاپخانه برای جلوگیری از این ضرر، کارهای مختلف چاپی (روزنامه، نشریه و ...) را قبول کند و منحصرا به انتشار محدود صبح آزادگان متکی نباشد. ولی مدیریت چاپخانه که خود را در مقابل پیشنهادات منطقی نمایندگان شورا ناتوان می‌بیند، چاپخانه را به سپاه پاسداران واگذار می‌کند و این دو را مستقیما در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. مدیریت چاپخانه از همان آغاز این واگذاری به مسئولین سپاه پاسداران "هشدار" می‌دهند که "تکلیف تان را با شورا یکسره کنید چون که این شورا در کارها خیلی دخالت می‌کند" و متعاقب آن می‌بینیم که مسئولین سپاه به محض ورودشان به چاپخانه، اولین اقدامی که می‌کنند تهاجم به شورا و انحلال خودسرانه آن است. آنها بدون آنکه به خواست‌های کارگران توجهی بنمایند دست به چنین اقدامی می‌زنند که با واکنش اعتراضی عموم کارگران مواجه می‌شوند. کارگران در برابر انحلال خودسرانه شورا بوسیله پاسداران در راس خواست‌هائی که مطرح کرده بودند بر تحکیم و تثبیت شورایشان تاکید می‌کنند. اما مسئولین سپاه پاسداران نه‌تنها انحلال شورا را اعلام می‌کنند بلکه تصمیم می‌گیرند که شش نفر از کارگران مبارز را (که ۳ نفرشان از نمایندگان شورا هستند) تحت عنوان "ضد انقلاب واخلالگر" اخراج نمایند. این اقدام توطئه‌آمیز و ضد کارگری مسئولین سپاه پاسداران درست در شرایطی صورت می‌گیرد که با چاره اندیشی مسئولانه شورا، کارگران تصمیم داشتند همگی سر کارها حاضر شوند و خواست‌های خود را حین انجام کار پیگیری نمایند. ولی وقتی که کارگران بااخراج نمایندگان خودمواجه‌می‌شوند بطور یکپارچه دست از کار می‌کشند و بعد از چند روز وقتی که تمام کارگران در مقابل چاپخانه جمع می‌شوند تا با نماینده سندیکای چاپ و وزارت کار ملاقات کنند، ۵ نفر از کارگران اخراج شده، توسط پاسداران بازداشت می‌شوند. کارگران مبارز چاپخانه یادگاران در خلال این جریان به روشنی در می‌یابند که هدف توطئه مشترک مدیریت چاپخانه و مسئولین سپاه، قبل از هر چیز اخراج کارگران آگاه و فعال و همچنین انحلال شورای انقلابی چاپخانه بوده است. کارگران می‌گویند:

" از آنجا که شورای ما جز تلاش پیگیرانه در جهت دفاع از حقوقمان و تامین خواستها و ارائه راه‌حل‌های اصولی و سازنده در جهت حل مشکلات کارگران و چاپخانه قدمی برنداشته است، ما انحلال شورایمان را عملی ضد کارگری دانسته و اینگونه اقدامات را محکوم می‌کنیم".

کارگران چاپخانه یادگاران بطور یکپارچه اعلام داشته‌اند که " ما بدون حضور همه کارگران این چاپخانه و بدون وجود شورا حاضر به ادامه کار نیستیم" به دنبال آن سپاه پاسداران ۵ کارگر بازداشت شده را آزاد کردند ولی از آنجا که هنوز خواست‌های اصلی کارگران یعنی تثبیت شورا، بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار بی پاسخ مانده است کارگران همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهند.

فرماندهان نظامی درفکر کودتا هستند

بنا به اطلاع واصله در یکی از پایگاههای هوائی و در ساعت ۲ الی ۲/۵ بعد از نیمه شب به تاریخ ۳ خرداد ۵۹ (سحرگاه شنبه) پیامی رادیوئی درباره عملیات کودتا شنیده می‌شود. این پیام مکالمه‌ای چند دقیقه‌ای بود که طی آن اجرای عملیات را به علت شرایط نامناسب "کنسل" (ملغی شده) اعلام می‌دارد. متعاقب تحقیقاتی که به عمل آمد شواهدی نشان می‌داد که در این شب توطئه‌هائی از جانب عناصر ضدانقلابی ارتش در شرف انجام بوده است. مطابق این تحقیقات در همان شب (شب‌شنبه) که مکالمه مشکوک رادیوئی شنیده شد:

۱ـ تمام هواپیماهای پایگاه آماده برای پرواز شارژهای درخواست کرده بودند. این هواپیماها که بمبهای ۷۵۰ پوندی حمل می‌کنند همگی که تعدادشان ۲۰ الی ۲۲ فروند است آماده پرواز بوده‌اند. در ضمن کلیه هواپیماها مجهز به بمب و راکت و حتی ۸ فروند آن بمبهای ۷۵۰ پوندی سوار کرده بودند. تا آن زمان برای پرواز به کردستان بیش از ۸ تا ۱۰ فروند هواپیما برای پرواز آماده نمی‌شد و این وضعیت غیر عادی را نشان می‌دهد.

۲ـ گروه ملحی(?) و مسلح پایگاه که حدوداً ۵۰ نفر هستند و از اعضای انجمن اسلامی می‌باشند روز قبل یعنی جمعه به مأموریت کردستان اعزام شده بودند و پادگان از وجود آنان خالی بود.

۳ـ سرگرد کلهین(?) فرمانده عملیات پایگاه، سرهنگ صفری(?) فرمانده پایگاه با حیله و دسیسه نماینده امام (آقای رضوان) را برای مدت ۲۴ ساعت از پایگاه خارج می‌کند.

موارد فوق نشان می‌دهد که چگونه فرماندهان ارتش به راحتی و آزادانه در پی توطئه‌های شوم خود هستند. علیرغم هشدارها و افشاگریهائی که از جانب نیروهای سیاسی، انقلابی و ترقیخواه مکررا صورت گرفته است، همچنان ترکیب و نظام امریکائی حاکم بر ارتش دست نخورده باقی مانده است.

هرچند این توطئه‌ها فعلا قادر نخواهد بود که در برابر عزم راسخ خلق‌های مبارز ایران به جائی روند ولی تعلل در برپائی ارتش توده‌ای و حفظ و بقای ساختمان پیشین ارتش و ابقای همان فرماندهان [illegible] امریکائی به معنی هموار کردن راه برای تسلط امپریالیسم امریکا ودوستان و جاسوسان آن، به معنی پشت کردن به منافع خلق و زحمتکشان است.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

"اکثریت" و ...

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

۹۰٪ کادرها[1] و اعضای سازمان را در بر گرفت. نخستین پلنوم سازمان شکست آشکاری بود برای آن بینشی که ۹ سال بر سازمان مسلط بود.

پس از پلنوم در نتیجه مرزبندی مشخصی که در پلنوم شکل گرفت، تنها عضو مرکزیت که اصول نظری و بنیادهای بینش گذشته سازمان را قبول داشت و اساس جزوه پاسخ به اشرف را که بنیادهای بینش گذشته را نفی میکرد، قبول نداشت، به علت سمت گیری نوین سازمان از مرکزیت استعفا داد و وظایف سازمانی خود را علیرغم توصیه‌ها و تذکرات مرکزیت رها ساخت.

بعد ازپلنوم رفقایی که هریک به نحوی از انحاء بینش گذشته را قبول داشتند، در قالب "اقلیت" متشکل شدند. این رفقا تا امروز حاضر نشدند حتی یک جمله هم‌راجع به اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مسائلی که به بنیان‌های فکری ما باز می‌گردد، موضعگیری کنند. رفقای اقلیت هنوز هم بیم دارند بپذیرند که شکل‌گیری اقلیت و اکثریت در سازمان بر اساس رد یا پذیرش بینش گذشته و ادراکات متفاوتی بوده است که هریک از اصول ایدئولوژیک و مبانی مارکسیسم داشته‌ایم.

رفقا تصور می‌کنند که بدون داشتن بنیادهای واحد ایدئولوژیک می‌توان در تاکتیک و برنامه به توافق رسید و وحدت تشکیلات کمونیستی را تامین کرد. و بر این اساس از سازمان می‌خواستند که قبل ازهر چیز به مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک بپردازد. اکثریت در برابر این نگرش عنوان می‌کرد کمونیست‌ها در عصر کنونی مجهز به یک رشته تئوری‌های علمی و تجربه شده جهانشمول هستند که در کلیت خود به نام مارکسیسم لنینیسم شناخته می‌شوند. صحت این تئوری‌ها بستگی به این یا آن شرایط مشخص ندارد، تئوری‌هائی است علمی که صحت آن در جریان تاریخ طوفان‌زای مبارزه طبقات در جوامع مختلف به اثبات رسیده است و ما با ایقان علمی به صحت این تئوری‌ها آنها را برای تحلیل مشخص ازاوضاع‌مشخص، برای‌تعیین‌وظایف عاجل‌و تدارک و انجام انقلاب پرولتاریائی به کار می‌گیریم.

بدون تجهیز به‌تئوری انقلابی، انقلاب غیر ممکن است و از نظر ما مبانی عام تئوری انقلاب دقیقا همان است که توسط بنیانگزاران سوسیالیسم علمی، مارکس انگلس و لنین بنیانگزاری و تئوریزه شده است. انقلابیون کمونیست در عصر ما نیازی به کشف مجدد این تئوری‌ها و آزمودن مجدد صحت آنها ندارند. وحدت ارگانیک در جنبش کمونیستی میان کسانی ایجاد می‌شود که صحت و حقانیت تاریخی آن اصول و تئوری‌های علمی را پذیرفته باشند، اختلاف نظر بین ما و جریان‌های گریلائی و "انترناسیونال چریکی" که اکنون روزهای احتضار را می‌گذراند، دقیقا مبتنی است بر رد یا قبول همان تئوری‌های عام تجربه شده‌ای که به اعتقاد ما باید دستورالعمل تمام کمونیست‌ها در مبارزه طبقات قرار گیرد.

بحث بر سر درستی یا نادرستی این یا آن تاکتیک مشخص تنها زمانی می‌تواند ما را به سوی نتیجه‌گیری واحد و درست رهنمون گردد که بین ما یک رشته اصول تئوریک واحد و علمی حاکم باشد و مورد قبول قرار گرفته باشد. بحث ما با رفقای اقلیت دقیقا بر سر پذیرش یا عدم پذیرش همان اصولی است که صحت آنها را علم و تجربه مبارزات پرولتاریا به اثبات رسانیده است و تئوری‌های ما که ۹ سال به‌آنها پایبند مانده بودیم همان اصول را در کلیت خود نقض کرده بود. درست به همین دلیل بود که ما پروسه تحکیم اصول یا بازگشت به اصول را مطرح می‌کردیم و رفقا چون اساس همان بینش گذشته را درست می‌پنداشتند، می‌خواستند به کمک آنها بحث بر سر مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک را به اتمام رسانند.

از آنجا که سازمان هستی خود را در گـــرو کوشش در راه تحقق همان آرمان‌هائی می‌داند که صدها رفقای شهید ما در راه آن جان باخته‌اند، از آنجا که ما در راه پیروزی و تحقق کمونیسم پیکار می‌کنیم، بیش از همه موظفیم که با دست‌یابی هرچه سریعتر و هرچه کاملتر به خط و برنامه مشخص و پاسخگوئی به تمام مسائل مبرم و مشخص جنبش، در راه تحقق همان آرمان گام برداریم. همچنانکه تا امروز و به ویژه بعد از پلنوم نیز در این جهت تلاش کرده‌ایم.

رفقای اقلیت تلاش دارند وانمود کنند که سازمان قصد داشته است مسائل مشخص جنبش را رها کند و به بحث بر سر مسائلی بنشیند که هیچ ربطی‌به وظایف مشخص انقلابیون کمونیست نداشته است. حال آنکه سخن سازمان همواره آن بوده است که تا زمانی که یک رشته تئوری‌های عام و جهانشمول مارکسیست ـ لنینیستی مورد قبول ما نباشد، بحث بر سر خط و برنامه، تحلیل حاکمیت، تحلیل موقعیت و وظایف ما هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید. رفقای اقلیت با تعجبی آمیخته به شکایت عنوان می‌کنند که اکثریـــت سازمان در حالی که بیش از هرچیز خواهان دست‌یابی و تحکیم اصول بود، بلافاصله بعد از پلنوم به ارائه تحلیل‌های مشخص از حاکمیت، موقعیت و غیره پرداخت! دلیل‌این امر واقعا آن بود که در مقطع بعد از پلنوم اکثریت سازمان روی یک حداقل مبانی مارکسیستی ـ لنینیستی به درک واحد و مشترک دست یافته بود. حال آنکه با رفقای اقلیت چنین ادراک مشترکی هرگز وجود نداشته است.

رفقا حاضر نیستند موضع خود را نسبت به‌آن تئوری عامی که این یا آن عمل خاص را تبیین می‌کند، مشخص کنند. رفقا حاضر نیستند روی آن ساخت ایدئولوژیک که مبانی فکری و تئوریک این یا آن خط مشی را مشخص می‌سازد، موضعگیری کنند. رفقا می‌خواهند جدا از هر گونه مبانی فکری مشترک برای ما خط و برنامه تدوین کنند. حال آنکه درست بر عکس بر اساس ادراکات واحد ایدئولوژیک است که کمونیستها به تدوین خط مشی و برنامه استراتژی و تاکتیک خود کمر می‌بندند. کمااینکه پس از دست‌یابی اکثریت به حداقل مبانی، برای انجام وظایف مبرمی که مبارزات حاد طبقاتی برعهده سازمان گذاشته بود، با تدوین و انتشار ضمیمه کار ۳۵ به پاسخ مشخص برای پاره‌ای مسائل دست می‌یابیم.

همانگونه که اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل‌های متفاوتی که از مسائل عملی کنونی با "حزب توده" داریم، مرزبندی خود را با این جریان مشخص میکنیم. درک متفاوتی که ما از ظرفیت انقلابی و ضدانقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی مارکسیست ـ لنینیست‌ها در مبارزه طبقاتی داریم، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انترناسیونالیسم پرولتری داریم، ما را بر آن می‌دارد که از قبـــل بتوانیم مشخص کنیم که مثلا اپورتونیسم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیست‌ها در شرایط کنونی توصیه و تاکید می‌کند.

یک رشته اختلافات *اســـاسی و اصولی* ما را از اشرف دهقانی جدا می‌کند. اختلاف ما با اشرف با این یا آن مورد اختلاف که به یک مسئله مبرم، عاجل و مشخص مربوط می‌شود، تعریف نمی‌شود بلکه ما مطمئن هستیم که چون ما دو بینش کاملا متفاوت داریم، چون ما ایدئولوژی و جهان‌بینی پرولتاریا را می‌پذیریم و اشرف آن را نفی می‌کند، است که ما را در اساس در دو سو قرار داده است. بحث بر سر مسائل مشخص وقتی مفید، خلاق و سازنده و وحدت آفرین است که از قبل روشن نباشد که دو جریان فکری که بنیادهای ایدئولوژیک جداگانه‌ای آنها را از هم جدا می‌کند، در برابر هم صف کشیده‌اند. این حرف کاملا درست است که‌تجسم مادی هر اختلاف اصولی در پاسخگوئی به این یا آن مسئله مشخص تبلور می‌یابد و از طریق پاسخگوئی به مسائل مشخص است که در عمل نشان داده می‌شود که وحدت اصولی وجود دارد یا نه اما حرکت کردن در چنین پروسه‌ای تنها زمانی جایز است که از قبل مطمئن نباشیم که دو سیستم ایدئولوژیک شناخته شده و شکل گرفته در برابر هم وجود دارد که ادراکات متفاوتی درباره‌عامترین‌واصولی‌ترین‌مسائل دارند.

امروز ما و اشرف هیچ احتیاجی نمی‌بینیم که با همدیگر روی مسائل عملـــی و مشخـــص بحث کنیم و بخواهیم از این طریق بفهمیم که با یکدیگر اختلاف اصولی داریم یا نه؟ بر سر ارائه تحلیل‌های جداگانه از حاکمیت نبود که اشرف‌ازسازمان جدا شد. همه از قبل مطمئن بودند که تحلیل اشرف از حاکمیت حتما، قطعا و ضرورتا ۱۸۰ درجه با سازمان تفاوت خواهد کرد. می‌دانید چرا؟ زیرا امروز دیگر روشن شده است که هرکدام از ما در یک دستگاه ایدئولوژیک جداگانه فکر می‌کنیم. باز هم تکرار می‌کنیم بحث روی مسائل عملی و مشخص وقتی نتایج خلاق و سازنده و مثبت خواهد داشت که هنوز تا این لحظه روشن نباشد که مباحثی که مطرح می‌شوند با دو دستگاه ایدئولوژیک جداگانه سنجیده می‌شوند.

ما قبل از انکه رفقای اقلیت تحلیل خود را از حاکمیت فعلی ارائه بدهند و قبل ازآنکه تاکتیک خود را در برابر این حاکمیت مشخص سازند، مطمئن بودیم و ایمان داشتیم که در بررسی ماهیت حاکمیت این اپورتونیسم چپ حاکم بر بینش این دسته از رفقاست که تعیین کننده است. ما از قبل مطمئن بودیم که اپورتونیسم چپ حاکم بر بینش رفقا تمام واقعیت‌های موجود، تمام قانونمندی‌های مبارزه طبقاتی را خیلی راحت به فراموشی خواهد سپرد و اعلام خواهد کرد:

"حکومت نماینده بورژوازی کمپرادور و وابسته به امپریالیسم است"

مگر اشرف دهقانی‌در دو کلمه همین "حقیقت بزرگ" را درباره حاکمیت کشف نکرد؟ مگر او هم اعلام نکرد این خیلی مسئله ساده‌ای است، جامعه ما یک جامعه سرمایه‌داری وابسته است و هر حکومتی هم که در آن روی کار بیاید وابسته به امپریالیسم خواهد بود. مگر مثال قطار تهران ـ مشهد او را فراموش کرده‌اید؟ مثالی که به اصطلاح روابط زیر بنا و روبنا را توضیح می‌داد!

آیا هیچ‌آدم عاقلی می‌تواند انتظار داشته باشد که خط ایدئولوژیک اشرف دهقانی یا کومه له روی این مسئله عملی و مشخص به گونه‌ای دیگر بیندیشد؟ اندیشه سترگ پرولتاریا امروز روابط مقولات مجرد با مسائل مشخص، رابطه بین تئوری و پراتیک مبارزاتی را روشنتر از آن تصویر کرده است که بتوان آن را با احتجاجات من در آوردی و جنجال‌های کودک فریب آشفته ساخت. وقتی مسائل به این روشنی و به این درجه از صراحت مطرح می‌شود و بازهم برخی از رفقا نمی‌پذیرند که در حین وجود اختلافات و مرزبندی‌های ایدئولوژیک و اصولی و بنیادی نمی‌توان روی مسائل عملی و مشخص برای رسیدن به وحدت ایدئولوژیک به مباحثه نشست، ما چاره‌ای نخواهیم داشت جز آنکه بازهم بیشتر به انحراف از اصول این دسته‌از رفقا مطمئن‌تر شویم.

اکنون در جهان معاصر مرزبندی‌های معینی در جنبش جهانی کمونیستی پدید آمده است. این مرزبندی‌ها ناشی از اختلاف بر سر تحلیل‌های متفاوت از این یا آن وضعیت معین در عرصه ملی نیست، این اختلافات به درستی یا نادرستی این یا آن تاکتیک مشخص در این یا آن موقعیت ویژه و خاص محـــدود نمی‌شود. این اختلافات در تعیین تاکتیک دقیقا ناشی از آن مرزبندی‌های تعمیم یافته‌ای است که در عرصه اصول ایدئولوژیک بین جریان‌های جنبش کمونیستی جهانی پدید آمده است که در هر مورد معین به هنگام اتخاذ تاکتیک نمود و ظهور پیدا می‌کنند.

تضادهای ایدئولوژیک فعلی درون جنبش کمونیستی ایران نیز اولا ناشی از تضادهای طبقاتی درون جامعه است. ثانیا این تضادهای ایدئولوژیک از بلوک‌بندی‌های معینی در عرصه‌جهانی متاثر است که خود مشخصا انعکاس جهانشمول بودن و عام بودن قوانین مارکسیسم ـ لنینیسم در مبارزه طبقات است. این بلوک‌بندی‌های جهانی هیچکدام مبتنی بر این نیست که تحلیل مشخص آنان ازحاکمیت و موقعیت‌های مشخص در عرصه ملی چیست؟ مرزبندی‌های اصولی کماهین جریان‌های مدعی مارکسیسم ـ لنینیسم در عرصه جهانی رسم شده است، بر مبنای انحرافات اصولی شکل گرفته است نه بر اساس درک متفاوتی که آنها از شرایط خاص ملی و وظایف عاجل کمونیست‌ها در برابر آن دارند. اولین گام در راه زدودن تمایلات خرده‌بورژوائی درون جنبش کمونیستی ایران آن است که باور کنیم تضادهای ما و "اقلیت" در تحلیل نهائی تضاد بین دو بینش طبقاتی است. ثانیا وجود و عملکرد این تضادها یک پدیده ملی نیست و در رشد خود ضرورتا در یکی از بلوک‌بندی‌های جهانی در جنبـــش کمونیستی جای می‌گیرد.

بین اپورتونیسم چپ با مضمون آوانتوریسم انقلابی و مارکسیسم ـ لنینیسم دریائی فاصله است. انقلابیگری خرده‌بورژوائی قبل از اینکه یک متد باشد، قبل از اینکه یک مشی‌باشد، قبل از اینکه پاسخی برای مسائل عملی و مشخص باشد، یک انحراف از اصول است که جنبش کمونیستی‌امروزدیگر آنرا بدرستی می‌شناسد. بینشی‌است متعلق به عصری که هنوز اندیشه پرولتاریا جامعیت و کلیت خود را باز نیافته بود. اپورتونیسم چپ با مضمون انقلابیگری خرده‌بورژوائی همان چیزی است که با طلوع لنینیسم درآستانه قرن بیستم از لحـــاظ ایدئولوژیک به ورشکستگی تاریخی کشیده شد. این انحراف در جنبش کمونیستی ایران اینک نه تنها موقعیت مسلط خود را از دست داده است بلکه مشخصا درآستانه زوال قرار گرفته است. زوالی که پلنوم آن را "پروسه تحکیم اصول" می‌نامید. زوالی که می‌رود تا در تمام زمینه‌ها در تحلیل از حاکمیت، در تحلیل موقعیت، در موضعگیری نسبت به جنبش جهانی کمونیستی، در تعیین وظایف کمونیست‌ها، در تعیین تاکتیک جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق، در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران و حتی در زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و خصلتی در معیارهای زندگی خصوصی به اختلافات فاحش و مشخص منجر گردد. ما نه تنها از گسترش مبارزه ایدئولوژیک برای تکمیل کردن و متکامل کردن مرزبندی‌های ایدئولوژیک در تمامی عرصه‌های معین و مشخص بیم نداریم، بلکه درست همانگونه‌که شرکت ما در مبارزه طبقات در وجـــه ایدئولوژیک آن در یکساله اخیر نشان داده است، خواهیم کوشید تا با پیگیری کمونیستی با تمامی وجوه اپورتونیسم چپ و راست، چه در داخل سازمان و چه در خارج آن قاطعانه پیکار کنیم. ما این قاطعیت و این پیگیری را به سود جنبش کمونیستی و در جهت تصفیه سازمان از تمامی‌گرایش‌های انحرافی راست و چپ می‌شناسیم. رفقای اقلیت نگران نباشند که ما فقط در ابعاد انتزاعی، تنها در عرصه اصول، اپورتونیسم چپ را ترک خواهیم گفت. خیر رفقا! ما تنها بدین منظور کوشیده‌ایم اختلافات ایدئولوژیک را به عرصه اصول بکشانیم که واقعـــا قصد داریم در تمامـــی زمینه‌های عملی و مشخص این انحراف را ریشه‌کن کنیم. آنچه تاکنون بر ما گذشته است شاهد صدق این مدعاست و آینده نیز بطور قطع شاهد پیروزی دیگری برای اندیشه پرولتاریا است.

---

(۱) لنیـــن ـ منتخب‌آثار ـ ترجمه‌فارسی، صفحه ۸۱۷

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی کردیم

مختصری درباره شرایط کنونی ما و انحراف براست در سازمان

ن از یک سال از بحران داخلی
ما در زمینه‌های سیاسی ــ
وژیک تشکیلاتی میگذرد. پس
بری شد، اولین دور از تضادها
خلاف نظرات که عمدتا به صورت
ین میان "کمیته مرکزی" و "هیئت
سابق کار" انعکاس یافت. پس
دلیل عدم قابت مباحث
بر روی مسائل مشخص
حل و برنامه "کمیته مرکزی"
رای عالی سازمان را غیرعملی
کرد. هفت ماه پس با تشکیل
وم سازمانی ریشه‌های اصلی و راه حل
بحران مورد بحث قرار گرفت. در این
مان که دیگر تضادهای ایدئولوژیک ــ
اسی نمودهای بارزی یافته بود،
هم رفقای سازمان به دو جناح اقلیت
ت برحسب چگونگی برخورد و
نسبت به مسائل بحران
شکل مشخص‌تری به خود گرفت.
پلنوم، به دلیل مواضع
چی و برخوردهای غیراصولی رفقای
یت که توسط "جناح اکثریت" کمیته
مرکزی سازمان هدایت می‌شد، در عمل، نه‌تنها زمینه‌های مناسبی جهت حل صحیح بحران درون سازمان فراهم نیاورد، بلکه بر بستر تزلزل و ابهام ناشی از عدم آگاهی لازم و توهم اکثریت رفقای شرکت کننده نسبت به چگونگی مناسبات اصولی مابین جناح اکثریت و اقلیت درون سازمانی، وضعیت و شرایطی را پدید آورد، که دامنه بحران را هرروز گسترده‌تر کرد.

در پلنوم بحث در مورد علل بحران و راه خروج از آن، نهایتا به صورت دو تحلیل اساسا متفاوت نسبت به ریشه‌های اصلی بحران و درنتیجه دو سیاست و دو خط مشی کاملا مجزا و متضاد در مورد راه حل بحران به قرار زیر جمعبندی شد:

"الف ــ در مبارزه ایدئولوژیکی که سازماندهی می‌شود، می‌باید از کانال پاسخ به نیازهای مبرم جنبش و تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک جهت حل بحران حرکت کنیم، در طی این پروسه با انحرافات گذشته نیز برخورد خواهد شد. در جریان تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک (مرحله انقلاب، برنامه انقلاب و...) دیدگاه‌های مختلف و انحرافات چپ و راست خود را مشخص می‌سازند. صف بندی‌های ایدئولوژیک سیاسی که طی این پروسه مبارزه ایدئولوژیک به وجود می‌آید، در کنگره تعیین تکلیف خواهند کرد.

ب ــ مبارزه ایدئولوژیک باید در برخورد با سیستم ایدئولوژیک مشی گذشته سازمان بر محور "تحکیم اصول" به منظور دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک مارکسیست ــ لنینیستی سازمان یابد. طی این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان تهیه و تنظیم شده و با تصویب در مرکزیت یا کنگره در سطح جامعه اعلام می‌گردد. پس از این پروسه می‌باید به تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک پرداخت و کنگره را برای تصویب آن هدف و برنامه (هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک) فرا خواند.

ج ــ برای حل بحران ایدئولوژیک در دو روند به هم پیوسته زیر با تاکید بر تقدم و تاخر آن سازمان داده می‌شود:

۱: با سیستم ایدئولوژیک گذشته بر محور "تحکیم اصول" و دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست لنینیستی برخورد لازم صورت می‌گیرد. دست یابی به این مبنا برای حرکت اصولی و پیشرفت در وحدت سیاسی و تدوین هدف و برنامه ضرورت دارد. در پایان این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان جهت تصویب در کنگره تهیه و تنظیم می‌شود.

۲: در ادامه مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته، تدوین هدف و برنامه استراتژی و تاکتیک آغاز و ادامه می‌یابد طی این روند با اشکال تازه اپورتونیسم چپ و راست مبارزه شده و صف‌بندی‌های احتمالی شکل خواهد گرفت. در پایان این روند کنگره فراخوانده شده و مصوبات آن، مواضع ایدئولوژیک ــ استراتژیکی سازمان شناخته می‌گردد. گروه‌بندی‌های ایدئولوژیک ــ سیاسی که طی این دو روند شکل گرفته‌اند، در کنگره تعیین تکلیف خواهند نمود" (جزوه پلنوم) بند ج به تصویب رسید.

در جمعبندی فوق بند الف نظر اقلیت و بند (ب و ج) (گرچه تفاوت‌هائی دارند اما در اساس یکی هستند) نظر اکثریت سازمان بود. محتوای مباحثات پلنوم نشان می‌دهد که ما از لحاظ سیاسی ــ ایدئولوژیک ریشه اصلی بحران را در تضاد بین دو دیدگاه، یکی متکی بر مارکسیسم ــ لنینیسم انقلابی و دیگری متکی بر اپورتونیسم و تبلیغ دنباله‌روی از حوادث ارزیابی کردیم. این دو جریان در طول پروسه و هنگام برخورد با مسائل مختلف سیاسی، لزوما تضادهای خود را آشکار می‌کردند.

ما در پلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن میدارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیکی کمونیست‌ها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت به کار گیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته) توسط کمونیست‌ها را از طریق پاسخگوئی به مسائل مبرم خود به انجام برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی رو به انکشاف جامعه و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم.

خط مشی دوم که از جانب اکثر اعضای "کمیته مرکزی" رهبری می‌شد برای حل بحران به مقوله‌های مجردی همچون "تحکیم اصول" و یا "دست

بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

درباره ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت

"مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملا در دست کیست، باید تمام حقیقت را به مردم گفت".
(لنین ــ در اطراف شعارها)

امروز جامعه ما دست به گریبان یک بحران اقتصادی و سیاسی است. بحرانی که با گذشت هر روز از عمق و گسترش تازه‌ای برخوردار می‌شود. بار این بحران فشار طاقت فرسائی را بر توده‌ها وارد ساخته و زندگی را بیش از پیش برای آنها دشوار ساخته است. رژیم حاکم در عمل نشان داده است که نه می‌خواهد و نه می‌تواند به نیازها و خواست‌های برحق توده‌ها جامه عمل بپوشاند. هر روز که می‌گذرد توده‌های مردم بیش از پیش در پراتیک عینی و تجربه روزمره خود پی می‌برند که هیئت حاکمه در جهت تحقق خواست‌ها نیازها و آمال و آرزوهای آنها گــام برنمی‌دارد. از این رو به تدریج از آن فاصله می گیرند و در پاره‌ای موارد به رودررروئی مستقیم با آن برمی‌خیزند. اما با تمام این اوصاف هنوز انبوهی از توده‌ها در توهمات و زودباوری‌های ناشی از ناآگاهی و خرافات خرده بورژوائی به سر می‌برند و اعتمادی ناشی از ناآگاهی به حاکمیت دارند. در چنین شرایط بغرنج و پیچیده اجتماعی و سیاسی وظایفی خطیر برعهده نیروهای مارکسیست ــ لنینیست قرار دارد و پاسخگوئی به مسائل‌مبرم جنبش وظیفه عاجل جنبش کمونیستی است. اما انجام این وظایف

از دادن پاسخ صریح و قطعی به ...
قدرت دولتی طفره رفته است و هی...
نه به این مسئله پاسخ داده که ق...
دولتی عملا در دست کیست...
قبال آن موضع روشن
اتخاذ کرده است. ا...
گرایش به راست و د...
حوادث و تبعیت کور
خودبخودی همراه
اپورتونیسم آشکار م...
بنا بر این با این سیا...
که نتیجه‌ای جز ضربه
سازمان، جنبش کمونیست...
توده‌ای نخواهد دا...
مبارزه‌ای جدی برخا...
مقاله رئوس کلی نظر...
حاکمیت موجود ارائه م...
مفصل آن را به زودی
منتشر خواهیم ساخت.
که از جهت ترکیب
سازشی" است مرکب ا...
فراکسیون‌های مختلف
نمایندگان خرده‌بورژوار...
قیام شکل گرفت. این
محصول درجه معینی از...
طبقاتی و تناسب نیروهای
شرایط خود ویژه یک برآمد
از سالها دیکتاتوری و اختناق
هنگامی که پیش از قیام

> **بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام است؟ و دولت به عنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقه‌ای د... می‌کند؟ نه تنها از پاسخگوئی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف... باز می‌مانیم، بلکه به سردرگمی و بلاتکلیفی حاکم بر جنبش دامن زا... بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و ج... توده‌ای وارد خواهد آمد.**

پیش از هرچیز مستلزم آن است که پاسخ **قطعی و صریح** به مسئله قدرت دولتی داده شود. بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی دست کدام طبقه است؟ و دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقاتی دفاع می‌کند؟ نه تنها از پاسخگوئی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف خود باز می‌مانیم بلکه به سردرگمی و بلاتکلیفی حاکم بر جنبش دامن زده و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای وارد خواهیم ساخت.

اگر به راستی قدرت دولتی عملا در دست خرده‌بورژوازی است و حاکمیت موجود (حاکمیتی خلقی است) باید صریحا حقیقت را به مردم گفت. روش پرولتاریا را در قبال آن مشخص کرد و موضع معینی نسبت به آن اتخاذ نمود و اگر قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است بازهم باید آشکارا حقیقت را به مردم گفت و آنها را از حقیقت امر آگاه ساخت.

امروز که یک سال و اندی از قیام می‌گذرد، "کمیته‌مرکزی" سازمان ما علیرغم اشارات جسته و گریخته خود به "وجه عمده خرده‌بورژوائی حاکمیت"

اقتصادی و سیاسی ژرف سرا...
فرا گرفت و توده‌ها دست به ...
مستقل تاریخی زدند.
مشخص طبقاتی در جنبش...
بود.
دیکتاتوری و اختناق ه...
ساله که یکی از موانع
آگاهی طبقه کارگر و سا...
بود، نتایج مخر...
آورد. سازمان‌های
طبقه کارگر و سا...
یا هنوز پدید...
پیوند ارگانیک...
طبقات و اقشار...
هنگامی که ر...
سیستم و حد...
جامعه را به...
سوق می‌داد...
طبقاتی
که صف...
ضدانقلا...
موقعیت
طبقاتی
اپوزیـ...
خلقی
خلقو

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی ...

بقیه از صفحه ۳ ضمیمه

به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل ...یست – لنینیستی" (!!!) متوسل ... برای پنهان کردن نظرات راست – ... خود از برخورد مشخص با مسائل **برنامه و تاکتیک** به بهانه‌های مختلف طفره رفت.

...جریان اکثریت علیرغم اینکه در ...یابی ریشه اصلی بحران، در حرف و ... ظاهر وجود دودیدگاه متفاوت ...ئولوژیک را می‌پذیرفت، اما در عمل ... درست هنگامی که پلنوم به راه حل ... پرداخت، معلوم شد که علت ...ی بحران را در قبول یا رد **مشی ...جانه گذشته** از جانب اعضای ...مان جستجو می‌کنند و عملا با عمده ... این وجه از اختلافات **نقش** ...مان در جنبش را از یاد برد و شرایط ...ی مبارزه طبقاتی کارگران و ...کشان و ضرورت رهبری آگاهانه آن ... نادیده گرفت. در حقیقت "کمیته ...زی" با مواضعی که اتخاذ کرده بود، ... هنوز هم بر آن اصرار می‌ورزد، ...ه‌ای را تبلیغ می‌کرد که بر اساس آن ...بش کمونیستی ایران محکوم به جدا ...دن از جنبش خودبخودی کارگران ...، زیرا ارائه راه‌حل بحران یعنی در ...رایطی که موج جنبش‌های خودبخودی ... اعتراضی کارگران از یک سو و مبارزه ...مکراتیک دهقانان و خلق‌ها برای کسب ...ین و حق‌تعیین سرنوشت از سوی دیگر ... قدرت عظیمی ما را به دنباله روی ...کشاند و دقیقا به همین جهت بسیج ...دارک نیروهای سازمان جهت طرح ...ی استراتژی و برنامه و تاکتیک ...تاریا از مبرم‌ترین وظایف ما به‌شمار ...ید، سخن گفتن از مبارزه ...ئولوژیک برای ارزیابی مجدد ...یک‌های گذشته به عنوان **وظیفه** ...ه سازمان چه معنائی می‌توانست و ... هم می‌تواند داشته باشد جز آنکه ...یه ...دگان چنین تفکری منافع ... حفلی خود را بر منافع اساسی ...ش و مصالح طبقاتی کارگران ترجیح ...دهند و آن آشفته‌فکری را که در این ... محملی برای گسترش دیدگـــاه ...گماتیستی در سازمان بوده است ...ریزه **کرده** و در سطح تشکیلات ...یج و ترویج می‌کنند. شیوه متافیزیکی ...ورد "کمیته مرکزی" نسبت به مبارزه ...ئولوژیک هیچ قرابتی با درک مادی و ... مارکسیستی مبارزه ایدئولوژیک ... عدم درک دیالکتیک رابطـــه ... میان مبارزه ایدئولوژیک سازمان ...مبارزه طبقاتی کارگران در وضعیت کنونی، خود نشانگر دیدگاه محدود ...نظرانه "کمیته مرکزی" نسبت به ... درازمدت جنبش کارگری و جنبش ...اتیک – توده‌ای ایران بود. به هر ... جلسات پلنوم پایان یافت: پس از ... زمانی چند، عده‌ای از اعضای ... مرکزی سازمان که در پلنوم با ...سدی‌های ضد تشکیلاتی و ...کراتیک به اهداف اولیه خود دست ... بودند بعد از پلنوم (پس از آنکه ...ر از رفقای اقلیت یکی عضو کمیته ... و دیگری عضو مشاور، با هدف ... نظرات و مبارزه سیستماتیک علیه ...ت انحرافی مسلط از مرکزیت و ... تحریربه کار استعفا دادند) ... را برای اجرای اهداف راست ...خویش، بیش از پیش مناسب ... اینبار با **نقض مصوبات پلنوم**

که به‌پیشنهاد خود آنان تصویب شده بود و به این ترتیب با زیر پا نهادن هرگونه پرنسیپ کمونیستی بحران را در همه ابعاد و زمینه‌های یاد شده به درجه انفجار آمیزی رساندند. مصوبات پلنوم که مقرر می‌داشت تا شکل گیری نهائی نظرات طی روندهای مبارزه ایدئولوژیک و تعیین تکلیف گروهبندی‌های سیاسی – ایدئولوژیک، در کنگره‌ای که به همین مناسبت می‌بایستی تشکیل شود، از ارائه هرگونه تحلیل و موضعگیری، چه در مورد مشی گذشته سازمان و چه در مورد حاکمیت کنونی، به‌جز موضعگیری‌های سیاسی – تبلیغی روزمره نباید صورت گیرد، با بهانه‌های مختلف و تحت پوشش‌های گوناگون از جانب "کمیته مرکزی" نقض شد و این رفقا تدریجا بطور خودسرانه به برکناری رفقای اقلیت از مسئولیت‌های تشکیلاتی دست زدند و آن را همچنان ادامه دادند.

(تحلیل‌های مندرج در "کار" ۳۵ و شماره‌های پس از آن، در مورد حاکمیت و نیز مقاله‌های درج شده در ارگان‌های محلی شواهد عینی نقض مصوبات پلنوم از جانب مرکزیت است. این مقاله‌ها بدون کوچکترین نظرخواهی از اعضـــای سازمان و صرفا بنا به نظر مرکزیت نگاشته شده است.)

مبارزه درونی سازمان ما علیه نفوذ و گسترش ایدئولوژی بورژوائی و خرده – بورژوائی که عمدتا به صورت مبارزه ایدئولوژیک علیه تفکرات مسلط در مرکزیت سازمان بازتاب داشته است به هیچ وجه مربوط به امور جزئی و یا محدود به مسائل تشکیلاتی نبوده بلکه به سبب ریشه‌های ایدئولوژیک – سیاسی عمیق آن، در تمامی مسائل اساسی و مهم مبارزه طبقاتی و در عرصه‌های تئوری و پراتیک خود را می‌نمایاند.

خط و مشی سیاسی سازمان و همینطور سمت گیری آن در مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی که قاعدتا می‌بایست با تکیه‌بر نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران رهنمونی برای عمل سازمان و هواداران گردد، توسط "کمیته مرکزی" در مسیرهای انحرافی سوق داده شد.

رفقای "کمیته مرکزی" به دلیل آنکه هنوز دارای موضع پایداری نسبت به اهداف و جریان‌های عمده حاکمیت و ماهیت طبقاتی آنان نیستند و یا دست کم از ابراز علنی و صریح آن تاکنون اجتناب ورزیده‌اند. پایه پای چرخش به راست در سیاست، تاکتیک‌ها را نیز از این‌لحظه تا به آن لحظه و از این واقعه تا به آن واقعه اتخاذ کرده‌اند. چنین وضعیتی مبنای اتخاذ تاکتیک‌ها و موضعگیری‌های سازمان را نه در ارتباط با اهداف استراتژیک بلکه اساسا تابع منافع آنی و سودمندی لحظه‌ای نموده است. و بالاتر از این مرکزیت بیش از آنکه به منافع درازمدت جنبش کارگری و جنبش توده‌ای بیندیشد به کسب نفوذ و داشتن "پایگاه توده‌ای" به شیوه احزاب اپورتونیست اروپائی فکر می‌کنند از این رو به تبعیت از اصل برنشتینی "جنبش همه‌چیز هدف هیچ چیز"، عملا از این اصل اساسی کمونیستی که پیروزی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش تنها از طریق بسیج و رهبری آنان حول **سیاست مستقل پرولتاریائی** امکان پذیر است، چشم پوشیده و به جای اتکاء به منافع طبقاتی و تاریخی کارگران اساسا در جستجوی متحدینی در میان "بالائی‌ها" به جناح‌های مختلف هیئت حاکمه" چشم دوخته است. تسلط دیدگاه پراگماتیستی با ماهیت گرایش به راست از یک سو و عدم اتکاء به توده‌های سازمانی و نادیده انگاشتن سانترالیسم دمکراتیک از سوی دیگر [illegible] کاملا بصورت دو خصوصیت بارز "مرکزیت" در امر مبارزه ایدئولوژیک و هدایت سیاسی – تشکیلاتی سازمان در آمده است. رشد مبارزه طبقاتی و ضرورت موضعگیری‌های مشخص و صریـــح در قبال مسائل و موضوعات حاد سیاسی انعکاس خود را به صورت تکامل مبارزه بین دو خط مرز در درون سازمان آشکار کرده است. اقدامات غیراصولی و غیر دمکراتیک "مرکزیت" در برقراری مناسبات غیرمنطقی بین جناح اقلیت و اکثریت، نادیده انگاشتن و نادیده گرفتن نظریات توده‌های سازمانی در تدوین، تصویب و پیشبرد خط و برنامه سیاسی، نقض مکرر و متوالی ضوابط و اصول سازمانی با استفاده از اهرم‌های تشکیلاتی از سوئی و – عاملی که بیشتر از هر چیز و به مثابه عامل تعیین کننده در اصرار ما برای علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک نقش داشته است، یعنی – در پیش گرفتن روش آشتی‌جویانه و تسلیم طلبانه در مبارزه طبقاتی، صلح و مصالحه با این یا آن جناح قدرت درحاکمیت، دامن زدن به توهم توده‌ها و سمت‌گیری پر شتاب در تئوری و عمل به سوی اپورتونیسم و تفکر حزب توده از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که همگان را از ماهیت اختلافات ایدئولوژیک درون سازمانی آگاه سازیم.

بدیهی است که ما بدون اینکه بوسیله علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک با تمام قوا علیه گرایش‌های اپورتونیستی "مرکزیت" مبارزه کنیم نمی‌توانستیم وظایف انقلابی خود عمل کنیم. از نظر ما، مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها وسیله‌ای برای شناساندن هویت ایدئولوژیک – سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی، کارگری محسوب می‌شود، بلکه در نخست تنها طریق موثر مبارزه انقلابی علیه گسترش گرایش‌های اپورتونیستی و رویزیونیستی و تنها شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما به شمار می‌آید. مبارزه ایدئولوژیک علنی کوششی است در جهت بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند. به عقیده ما، در شرایطی که پراکندگی در جنبش حاکم بوده و در بین ما نیز هنوزبر سر اصول ایدئولوژیک اختلافات اساسی به چشم می‌خورد بیش از هرچیز باید همگان از ماهیت اختلافات و شیوه برخورد این دو جناح نسبت به مسائل مورد مشاجره آگاه و در باره آن قضاوت کنند.

اگرچه ما از نفوذ عناصر تفکر اپورتونیستی در اندیشه "کمیته مرکزی" سازمان بسیار متاسف هستیم اما هیچگاه این آموزش لنین را فراموش نمی‌کنیم که

"*حتی بهترین نمایندگان دموکراسی خود را به سوگواری بخاطر این اغتشاش فکری، تردید و بی‌اعتقادی به اصول محدود می‌سازند. لیکن مارکسیست‌ها، ریشه‌های طبقاتی این پدیده اجتماعی را جستجو می‌نمایند.*"

(لنین – مبارزه ایدئولوژیک در جنبش طبقه کارگر)

ما مخصوصا از تمامی رفقای هوادار می‌خواهیم که این ایده لنینی را بعنوان رهنمونی در برخورد با اختلافات درونی سازمان در نظر گرفته و به پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علنی در سطح جنبش یاری رسانند و این امر حیاتی را به هر شکل ممکن پیش برند. در خاتمه نکته‌ای را که باید خاطر نشان سازیم و تاکید خاصی برآن داشته باشیم این است که عمده کردن مبارزه ایدئولوژیک حول مسائل حاد و مبرم جنبش کمونیستی ایران را بعنوان تنها طریق اصولی پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک شناخته و هرگونه عدول از آن را امری فرعی و کوششی در جهت پرده افکندن بر نظرات غیر مارکسیستی و خالی کردن از پاسخگوئی به مسائل مبرم مبارزه طبقاتی جاری می‌دانیم.

> ● *ما در پلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن می‌دارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیکی کمونیست‌ها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت بکار گیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته) توسط کمونیست‌ها را از طریق پاسخگوئی به مسائل مبرم به انجام برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی رو به انکشاف جهانی و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم.*

> ● *مبارزه ایدئولوژیک علنی نه‌تنها وسیله‌ای برای شناساندن هویت ایدئولوژیک سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی – کارگری محسوب می‌شود بلکه در درجه نخست تنها طریق موثر مبارزه انقلابی علیـــه گسترش گرایش‌های اپورتونیستی و رویزیونیستی و تنها شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما به شمار می‌آید. مبارزه ایدئولوژیک علنی کوششی است در جهت بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند.*

دربارۀ ترکیب و ماهیت طبقاتی...

بقیه از صفحه ۳ ضمیمه

چنین شرایطی از سطح مبارزه طبقاتی رهبری بطور کامل در اختیار نیروهای سازشکاری قرار گرفت که از حداقل تشکل لازم و امکان پیوند با توده‌ها برخوردار بودند. نقش مذهب و اعتقادات مذهبی مردم و بطور کلی جو خرده‌بورژوائی که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، به این نیروها که از جهت موضعگیری و پایگاه طبقاتی به قشر فوقانی خرده‌بورژوازی سنتی تعلق داشته، امکان داد که هژمونی خود را بر جنبش تامین کنند:

... نمایندگان خرده‌بورژوازی سنتی که از یک سو به خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتی‌شان با بورژوازی به ویژه نزدیکی‌شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایش‌های شدیدا قشری و مذهبی، عناصری کاملا متزلزل، محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند، هنگامی که در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه‌بردند.

این نمایندگان خرده‌بورژوازی سنتی که از یک سو به‌خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی‌طبقاتی‌شان با بورژوازی بویژه‌نزدیکی‌شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایش‌های شدید قشری و مذهبی، عناصری کاملا متزلزل محافظه‌کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامی که در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند، خود را سخت ناتـــوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روز افزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند. رهبری جنبش گرچه در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه قاطعیت خود را در عمل نشان داد، اما به خاطر همان خصلت‌های طبقاتی و ویژگی‌های شدیدا مذهبی ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک فاقد قاطعیت لازم در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌های وابسته بود.

... در آستانه‌قیام به علت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان تشکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود در ارتباط و پیوند همه‌جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها و مبارزه اوجگیرنده آنها، زمینه‌های عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده‌بورژوائی جنبش را فراهم ساخت.

موقعیت بورژوازی و امپریالیسم نیز در چنین مرحله‌ای از تکامل جنبش که مبارزه توده‌ها علیه رژیم حاکم مدام گسترش و شدت می‌یافت و ضعف و ناتوانی هیئت حاکمه نیز هر روز بیشتر آشکار می‌شد، به نحوی بود که سلطه آنها با خطر جدی روبرو شده بود، بنا بر این در این حال برای آنها نیز بهترین و ممکن ترین‌راه نجات سازش با نیروهای رهبری کننده جنبش بود.

پس می‌بینیم که در آستانه قیام **بعلت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص فقدان هژمونی پرولتاریایی برجنبش، فقدان تشکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود ارتباط و پیوند همه جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها و مبارزه اوج‌گیرنده آنها، زمینه‌های عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده‌بورژوائی جنبش را فراهم ساخت.**

بدین طریق در آستانه قیام سازشی شکل گرفت و حاکمیتی پدید آمد که "ارگان سازش" بود. در این حاکمیت **که از لحاظ ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرده‌بورژوازی سنتی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا بورژوازی متوسط) تشکیل شد، پست‌های جساس و مراکز مهم دستگاه دولتی عملا به دست بورژوازی افتاد.**

بدین طریق هنگامی که مردم در حال برپا کردن باریکادها در خیابان‌ها و نیز حمله به پادگان‌ها و مراکز سرکوب و ستم بودند نمایندگان بورژوازی می‌کوشیدند پست‌های مهم و حساس دولتی را تصاحب کنند. رهبری خرده‌بورژوائی جنبش پیش از قیام راه سازش با بورژوازی را برگزید و با تائید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب می‌خواست به شکـــل مسالمت آمیز و با حداقل اصلاحات ممکنه در ارکان‌ها و نهادهای رژیـــم گذشته ماشین دولتی را به این دو ارگان بورژوائی تفویض کند. اما در چنین لحظات قیام خودانگیخته توده‌ها برخی از محاسبات و معادلات مربوط به انتقال مسالمت آمیز قدرت را برهم زد. قیام ضرباتی به ارکان‌ها و نهادهای بورژوائی وارد آورد و زیر فشار توده‌ها نقـــش بورژوازی بزرگ در ارکان سازش کاهـــش یافت. قیام و مسلح شدن توده‌ها دیگر چیزی نبود که تاثیر خود را بر جریـــان حوادث برجای نگذارد و این همان سیلی است که به قول بازرگان به جای باران آمد. سیاست‌ها و عملکردهـــای این حاکمیت و شیوه‌ائی که در قبال توده‌ها و انقلاب در پیش گرفت و اقداماتی که تا به امروز انجام داده است آشکارا **ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوائی** آن را نشان می‌دهد. این حکومت از همان روزهای نخستین به قدرت رسیدن خود درجهت متوقف کردن دامنه قیام گام برداشت، از انهدام کامل ارکان‌ها و نهادهای رژیم گذشته به وسیله توده‌های قیام کننده ممانعت به عمل آورد. با سرعت بازسازی ارکان‌ها و نهادهای ضربه خورده بورژوازی را آغاز کرد. پایه‌های مادی سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته یعنی مناسبات سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرد. مالکیت بورژوازی را مقدس، محترم و تعرض ناپذیر اعلام کرد و بالاخره در مقابل کارگران از سرمایه‌داران و در برابر دهقانان از زمینداران به دفاع پرداخت. این حکومت از همان فردای قیام بسیاری از پست‌های مهم و مراکز حساس در دستگاه دولتی یعنی در ارتش و بوروکراسی را به دست نمایندگان بورژوازی و بسیاری از هواداران و سرسپردگان رژیم سرنگون شده‌سپرد و سازماندهی باندهای سیاه، یورش‌های وحشیانه به خلق‌های تحت ستم ایران، تلاش در جهت در هم کوبیدن دستاوردهای انقلابی توده‌ها نظیر شوراها، محدود کردن و پایمال کردن حقوق دموکراتیک و آزادی‌هـــای سیاسی مردم را پیشه خود ساخت. بقول لنین:

"... *این حکومت در حالی که نیات حسنه خود را در پس پرده جملات انقلابی پنهان می‌دارد، هواداران بساط کهن را به مقام‌های حساس می‌گمارد. این حکومت می‌کوشد تمام دستگاه ماشین دولتی (ارتش، پلیس و دستگاه اداری) را حتی المقدور با اصلاحات‌کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید دست به کار ان شده است که به هر وسیله‌ای شده از اقدام انقلابی عملیات توده‌ای و تصرف قدرت از پائین به توسط مردم که یگانه تضمین موفقیت‌های واقعی انقلاب است جلوگیری نماید.*"

(لنین وظایف پرولتاریادرانقلاب)

مارکسیسم ــ لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلاب‌های جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که هنگامی که سران خرده‌بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانـــب بورژوازی را می‌گیرند.

همه این اقدامات که کلا در جهت تحکیم سلطه بورژوازی است، آشکارا ماهیت بورژوائی حاکمیت را نشان می‌دهد.

اما اکنون باید به مسئله‌ای پرداخت که هنوز در جنبش ما برای عده‌ای لاینحل باقی مانده است و آن نقش خرده‌بورژوازی در ارکان سازش است. سئوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود و اختلافاتی که پیش می‌آید این است که:

در ارکان سازش **قدرت واقعی عملا در دست کیست؟** آیا سازش نمایندگان خرده‌بورژوازی با بورژوازی (با هر نیتی که صورت گرفته باشد) می‌تواند منافع واقعی خرده‌بورژوازی را تامین کند؟

"مارکسیسم ــ لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلاب‌های جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که **هنگامی که سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله‌رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می‌گیرند.**" آنها در نهایت امر امتیازاتی به نفع قشر فوقانی خرده‌بورژوازی می‌گیرند که خود را به صورت رفرم‌های بورژوائی نشان می‌دهد. لنین در این باره می‌نویسد:

"... *دمکرات‌های خرده‌بورژوا بویژه رهبری آنها به متابعت روی از بورژوازی‌تمایل دارند. رهبران دمکرات‌های خرده‌بورژوا توده‌های خود را با وعده و وعید و اطمینان به امکان دست یابی به توافق با سرمایه‌داران بزرگ تسکین می‌دهند و در بهترین‌حالات از سرمایه‌داران برای بخش فوقانی کم عده توده‌های خود امتیازاتی ناچیز محدودی می‌گیرند. اما در مورد هر مسئله قطعی، هر امر مهم، دمکرات‌های خرده‌بورژوا همیشه دنباله رو بورژوازی بوده‌اند و به شکل زائده ناتوان آن و آلت مطیعی در دســـت سلاطین مالی در آمده‌اند.*"

(لنین: درس‌های انقلاب)

در جامعه ما نیز سازش نمایندگان و سران خرده‌بورژوازی سنتی مرفه با هر نیتی و با هر قصدی که صورت گرفته باشد در ماهیت امر تغییری نمی‌دهد. نیروئی که راه مذاکره و سازش با ضد خلق و ائتلاف با بورژوازی را بر اتحاد با نیروهای انقلابی ترجیح می‌دهد و قدرت واقعی را عملا به بورژوازی می‌سپرد، نیروئی که مانع درهم شکسته شدن ارگان‌های سرکوبگر بورژوازی و دستگاه اداری و نظامی آن می‌شود و توده‌ها را از قیام منع می‌کند، نیروئی که از فردای قیام مدام اعتماد به بورژوازی را به مردم تلقین می‌کند و آنها را به اطاعت از بورژوازی وامی‌دارد و در هر امر قطعی و مهم تاکنون جانـــب بورژوازی را گرفته است، با هر نیتی هم که با بورژوازی سازش کرده باشد، عملا در خدمت بورژوازی قرار گرفته است و به قول معروف "راه‌جهنم نیز با نیات حسنه مفروش شده است". بنابراین پاسخ به این مسئله که آیا این سازش با "نیات حسنه" و یا "سوء نیت" صورت گرفته است، **فاقد اهمیت عملی** است و در ماهیت حاکمیت و نقش خرده‌بورژوازی در آن تغییری نمی‌دهد.

البته باید در نظر داشت که سازش نمایندگان وابسته به قشر فوقانی خرده‌بورژوازی سنتی با بورژوازی از طریق گرفتن امتیازاتی عملی شد. امپریالیسم و بورژوازی با توجه به پایگاه توده‌ای رهبری جنبش و با توجه به سطح مبارزه توده‌ها، مجبور بودند که در سازش تن به عقب‌نشینی‌هائی بدهند تا بتوانند سیستم موجود را نجـــات دهند و جنبش‌را به انحراف بکشانند. بنا بر این با پذیرش برخی اصلاحات مورد نظر رهبری خرده‌بورژوایی جنبش و دادن امتیازات ویژه بـــه روحانیت تن‌به سازش دادند. امتیازاتی هم که به نفع توده‌های خرده‌بورژوا گرفته شده از حدود رفرم‌های بورژوائی تجاوز نکرده است. در این زمینه رفرم‌های بورژوائی ارکان سازش در زمینه‌های اقتصادی از جمله اعطای وام‌ها و کمک‌های ناچیز به خرده تولید کنندگان، برنامه رفرم ارضی و غیره به خوبی بیان کننده ماهیت ایـــن امتیازات و رفرم‌های بورژوائی است که به هیچ وجه منافع واقعی توده‌ها را تامین نمی‌کنه. بدین لحاظ از آنجائی که سران خرده‌بورژوازی سازش‌کرده‌اند و در قطعی ترین و مهمترین مسائل جانب بورژوازی را گرفته‌اند و نمی‌توانند منافع

بقیه در صفحه ۶ ضمیمه

اکثریت و مساله اقلیت

[illegible]

... رو به زوال می‌رود

[illegible]

جنبش ... در شرایط رکود ... ، ... گرفتند و ... با رشد ... قرار گرفتند و ... آنها ... گرفتند.

سازمان ما که سالها ... هنگامی که جنبش توده‌ای اوج گرفت ... طبقاتی ... ، ... مبارزه طبقاتی و جنبش توده‌ای بودند در ... سازمان ما ... پیوندش با جنبش توده‌ای ...

[illegible]

... با همه آنهائی که این تحولات ... ضرورتها و شکستها را ... موقعها ...

«اقلیت» قالبی برای بستر گذشته

(... مازمان که برای ... بحران ... سازمان تشکیل شده بود ، ... درون تشکیلات را صورت مشخص‌تری بخشید. اکثریت که در ... گروه پاسخ به اشرف (تیرماه ۵۸) ... از ... سازمان را در بر می‌گرفت ، در ...

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه